

## جنگ بازیابی هژمونی و امکان اعتلای مبارزه طبقاتی (۲)

واقعیت، چپ و نیروهای دنباس

«اما، در ارزیابی موقعیت خاص، مارکسیست‌ها باید نه از آنچه ممکن

است، بلکه از آنچه واقعی است آغاز کنند.» (لنین)<sup>۱</sup>

«کمونیسم چیست؟ کمونیسم آموزه شرایط رهایی پرولتاریاست.»

(انگلس)<sup>۲</sup>

### ۱. ناتو و اعتراض کارگران در جهان

پس از حمله روسیه به اوکراین و کمک نظامی ناتو به اوکراین، کارگران در برخی از کشورهای عضو ناتو به ارسال تسلیحات به اوکراین معترض شدند و خواهان مشارکت نکردن کشورشان در این نزاع شدند. آنها همچنین خواستار خروج کشورهايشان از ناتو شده‌اند، به‌ویژه کارگران ایتالیایی. با وجود اندک بودن این اعتراض‌ها، اشاره به آنها مهم است و نشان از واقعی بودن تاکتیک جبهه متحد کارگری ضد ناتو دارد، که در مقاله «جنگ بازیابی هژمونی و امکان اعتلای مبارزه طبقاتی» (اسفند ۱۴۰۰) درباره‌اش نوشتیم.

#### الف) جنوا

کارگران بارانداز در بندر جنوا در ایتالیا در ۳۱ مارس ۲۰۲۲ اعتصاب بیست و چهارساعته‌ای را در اعتراض به استفاده از بندر جنوا برای ارسال تسلیحات مرگ‌بار برگزار کردند. این اعتصاب به فراخوان اتحادیه کارگری یواس‌بی<sup>۳</sup> برگزار شد. کارگران بنری را برافراشتند که روی آن نوشته بود «نه یک پنی، یک تفنگ یا یک سرباز برای جنگ» و اعلام کردند بنادر و فرودگاه‌های ایتالیا نباید برای تحویل سلاح برای جنگ‌های «امپریالیستی» استفاده شود.

کارگران بارانداز جنوا در هفته اول مارس نیز به تخلیه تانک‌های دارای استتاری که از پالرمو آمده بود و مقصدش اوکراین بود اعتراض کرده بودند.<sup>۴</sup>

1. V. I. Lenin, "Letters on Tactics," *Collected Works*, Vol. 24, Moscow: Progress Publishers, 1974, P. 46.

2. Frederick Engels, "The Principles of Communism," *MECW*, me6, Moscow: Progress Publishers, 1976, P. 341.

3. Unione Sindacale di Base (USB)

4. <https://peoplesdispatch.org/2022/04/01/dock-workers-in-ge-noa-protest-transit-of-arms-through-their-port/>

## ب) پیزا

کارگران فرودگاه گالیله در پیزای ایتالیا، که فرودگاهی غیر نظامی است، در ۱۲ مارس ۲۰۲۲ وقتی متوجه شدند که درون جعبه‌های کمک‌های «بشردوستانه» به مقصد اوکراین پر از سلاح و مهمات است از بارگیری آن خودداری کردند و آن را به اتحادیه کارگری یواس‌بی گزارش دادند. این اتحادیه خواسته است پروازهایی که سلاح‌های مرگ‌بار را پنهانی و در پوشش کمک «انسانی» جابه‌جا می‌کند فوراً متوقف شود و از کارگران درخواست کرده است همچنان از بارگیری سلاح‌ها امتناع کنند. از این فرودگاه غیر نظامی پروازهای «بشردوستانه» بلند می‌شود و قرار است این پروازها محموله‌های پر از غذا، آذوقه و دارو برای «مردم» اوکراین ببرد. اما این طور نیست: با تقلب و پنهانی محموله‌های اسلحه برای نئوفاشیست‌های اوکراین می‌فرستند.

شایان ذکر است که در ۱۹ مارس نیز کارگران به همراه برخی از مردم در پیزا علیه ارسال تسلیحات از ایتالیا به اوکراین اعتراض کردند.<sup>۵</sup>

## ج) رم

کارگران ایتالیایی در رم در اعتراض به نظامی‌سازی اوکراین تجمع کردند و خواستار خروج ایتالیا از ناتو شدند. آنها ارسال اسلحه به اوکراین را محکوم کردند. مخالفت گسترده با دخالت ناتو و دخالت ایتالیا در جنگ اوکراین را اتحادیه‌های کارگری ایتالیا رهبری می‌کنند. اتحادیه یواس‌بی در بیانیه‌ای گفته است، «هزینه‌های این جنگ هم‌اکنون هم بر دوش کارگران سنگینی می‌کند» و هشدار داده است که کارفرمایان حمله روسیه به اوکراین را بهانه‌ای می‌کنند تا کارگران را به دلیل افزایش هزینه‌ها اخراج کنند.<sup>۶</sup>

در ۲۲ آوریل، پنج‌هزار نفر از کارگران به همراه دانشجویان در خیابان‌های رم در پاسخ به درخواست اتحادیه‌های کارگری (از جمله یواس‌بی) با شعار «سلاح‌هایتان را پایین بیاورید، دستمزدهایتان را بالا ببرید» و در اعتراض به بارگیری سلاح‌های ناتو به اوکراین تجمع کردند. این تجمع همراه با اعتصاب در بخش‌های مختلف صنعت و خدمات و حمل‌ونقل ایتالیا برای افزایش دستمزد، حقوق بازنشستگی، و افزایش هزینه‌کرد در عرصه آموزش، بهداشت و درمان بود.<sup>۷</sup>

5. <https://global.ilmanifesto.it/italian-airport-workers-refused-to-load-weapons-bound-for-ukraine/>;  
<https://www.workers.org/2022/03/62624/>

6. <https://morningstaronline.co.uk/article/italian-workers-demand-withdrawal-nato-and-end-militarisation-ukraine>

7. <https://www.usb.it/leggi-notizia/cinquemila-lavoratori-in-piazza-insieme-agli-studenti-contro-lo-sfruttamento-il-carovita-e-la-guerra-usb-oggi-a-roma-e-cominciata-una-storia-nuova-18010-1.html>

شایان ذکر است که پس از اعتراضِ یواس بی به ارسال محمولهٔ اسلحه به مقصد اوکراین، نیروهای امنیتی در رم به دفتر این اتحادیه یورش بردند و تفنگی را که خود در دست‌شویی عمومی این اتحادیه جاسازی کرده بودند پیدا کردند! سرکوب این اتحادیهٔ کارگری با ساختن پاپوش برای آنها و صحنه‌سازی در دستور کار نیروهای امنیتی قرار گرفته است.<sup>۸</sup>

علاوه بر اعتصاب‌ها و اعتراض‌هایی که ذکر شد، در ۲۰ مهٔ ۲۰۲۲، در بسیاری از شهرهای ایتالیا (دست کم در پانزده شهر) اعتصاب بیست و چهار ساعته‌ای برگزار شد که به همت اتحادیه‌های کارگری ایتالیا از جمله یواس بی، اس آی گوباس و غیره بر پا شده بود. این اعتراضی بود که کمک تسلیحاتی ایتالیا به اوکراین و تبعات ناگوار بودجهٔ ریاضتی ناشی از جنگ برای کارگران و کاهش خدمات اجتماعی و مانند آن. این اعتصاب یک‌روزه تمام بخش‌های دولتی و خصوصی را در بر می‌گرفت. اتحادیه‌های کارگری از هزینه‌های دولت در اوکراین خشمگین‌اند و خواهان هزینه کردن آن برای افزایش دستمزد کارگران‌اند.<sup>۹</sup>

اعتصاب سراسری دیگری با همین شعارها و مضامین در ۲ ژوئن در شهرهای ایتالیا برگزار شد.<sup>۱۰</sup>

## د) یونان

کارگران راه‌آهن در یونان در تسالونیک نیز از حمل تانک‌های امریکایی به مقصد الکساندروپولیس امتناع کردند و کارفرما آنها را تهدید به اخراج و مجازات کرد. در حدود دو هفته (تا تاریخ خبر)، کارکنان ایستگاه راه‌آهن در تسالونیک تحت فشار بودند تا قطاری را به الکساندروپولیس اعزام کنند. یکی از کارگران که برقرار است به مدیرش گفته بود که هیچ جا نمی‌رود و تأکید کرده بود که نباید از کارگران راه‌آهن برای انتقال مهمات ناتو به اوکراین استفاده شود و آنها نمی‌خواهند شریک جرم در جنگ باشند. این مدیر در پاسخ گفته بود که حمل بار شغل کارگران است و باید آن را خوب انجام دهند و نباید به آنچه حمل می‌شود توجه کنند. در مقابل این اتفاق، اتحادیه‌های کارگری مداخله کردند. اتحادیه‌های کارگری یونان در تسالونیک خواستار مشارکت نکردن و استفاده نکردن از راه‌آهن یونان برای حمل تجهیزات نظامی شدند و همچنین خواستار پایان دادن به تهدید کارگرانی شدند

8. <https://areastampa.usb.it/leggi-notizia/le-nostre-uniche-armi-sono-le-lotte-e-la-partecipazione-democratica-rispondiamo-alle-macchinazioni-votando-in-massa-usb-alle-elezioni-rsu-1524-1-1.html>;

<https://areastampa.usb.it/leggi-notizia/contro-usb-una-pistola-nascosta-nel-water-le-nostre-sole-armi-sono-gli-scioperi-e-le-mobilitazioni-conferenza-stampa-alle-17-in-via-dellaeroporto-1347-1.html>

9. <https://morningstaronline.co.uk/article/w/italian-workers-general-strike-over-military-spending-war-ukraine>;  
<https://areastampa.usb.it/leggi-notizia/venerdi-20-maggio-sciopero-generale-e-sociale-contro-la-guerra-leconomia-di-guerra-e-il-governo-della-guerra-1356.html>

10. <https://www.usb.it/leggi-notizia/da-coltano-e-dalle-altre-citta-in-piazza-il-2-giugno-contro-le-basi-e-la-guerra-riparte-la-mobilitazione-1221.html>

که از حمل تجهیزات نظامی ناتو خودداری کردند. اتحادیه کارگران مخابرات رادیویی (در راه آهن) در بیانیه‌ای اعلام کرد، «نه به مشارکت کشورمان در درگیری‌های نظامی در اوکراین، که به نفع عده کمی به هزینه توده‌ها انجام شده. به‌ویژه، خواستاریم که از واگن و لوکوموتیو راه آهن کشورمان برای انتقال تسلیحات ناتو و امریکا به کشورهای همسایه استفاده نشود.»<sup>۱۱</sup>

\*\*\*

آنچه آمد اعتصاب‌ها و اعتراض‌های کارگری‌ای بود که توانستیم جمع‌آوری کنیم و هیچ بعید نیست که این اعتراض‌ها بیشتر از اینها باشد. ضمن اینکه اعتراضات کارگری علیه ناتو پس از تاریخ‌هایی که ذکر کرده‌ایم و تا کنون ادامه داشته و ما به فهرست کردن همین مقدار بسنده کردیم. همین تعداد هم نشان می‌دهد که آن شعاری که پیش‌تر گفتیم — یعنی، ایجاد جبهه متحد کارگری ضد ناتو — پایه در واقعیت امروز دارد. اعتصاب کارگران ایتالیا و یونان امکانات اعتلای مبارزه طبقاتی را که در واقعیت موجود است پیش چشممان می‌گذارد.

درباره جنگ اوکراین با سه نوع واکنش عمده در جنبش کارگری اروپا مواجهیم. نوع اول همان واکنش اتحادیه‌های کارگری‌ای چون یواس‌بی است، که به کفایت درباره‌شان نوشتیم. نوع دوم اعتراضاتی مانند اعتصاب بلژیک (که در اسپانیا و انگلستان نیز دیده می‌شود) است، که در آن توده کارگران و اتحادیه‌ها بدون موضع‌گیری مشخص درباره جنگ (نه محکومیت روسیه و نه محکومیت ناتو) خواسته‌هایی مانند افزایش دستمزد را طرح می‌کنند و برای آن واقعاً مبارزه می‌کنند. نوع سوم از جنس واکنش کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری آلمان<sup>۱۲</sup> است، که کاملاً با دولت بورژوازی همدست است. این کنفدراسیون نه درباره جنگ موضع صحیح می‌گیرد و نه مبارزه اقتصادی پیرامون آن را سازمان‌دهی می‌کند.

علاوه بر اعتراضات کارگری ضد ناتو، اعتراضات کارگران به کاهش شدید قدرت خریدشان، که نتیجه افزایش کم سابقه نرخ تورم و پیامد جنگ اوکراین است، در نقاط مختلف اروپا در جریان بوده است. محض نمونه، در ۲۰ ژوئن، حدود هشتاد هزار نفر از کارکنان بخش عمومی بلژیک به اعتصاب و تظاهرات یک‌روزه‌ای دست زدند که اتحادیه‌های بخش عمومی در اعتراض به افزایش هزینه‌های معیشتی و برای افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کار سازمان داده بودند. افزایش نرخ تورم در بلژیک عمدتاً نتیجه افزایش قیمت انرژی و مواد غذایی پس از آغاز جنگ اوکراین بوده، پدیده‌ای که در بسیاری از کشورهای دیگر اروپایی هم منجر به کاهش قدرت خرید کارگران شده است. مطابق قانونی که از سال ۱۹۹۶ در بلژیک اجرا می‌شود، افزایش سالانه دستمزدها نمی‌تواند از حد

11. <https://en.rua.gr/2022/04/01/greek-railroad-refuses-to-transport-american-tanks/>;  
<https://www.youtube.com/watch?v=SR3AMtyKQ9E>

12. German Trade Union Confederation (DGB)

معینی بیشتر باشد. در سال جاری، سقف افزایش دستمزدها ۰.۴ درصد بوده، در حالی که تورم سالانه نزدیک به ۹ درصد است. یکی از خواسته‌های این اعتصاب لغو قانون سقف افزایش دستمزدها بوده است. در ماه‌های پس از آغاز جنگ اوکراین، در کشورهای دیگر اروپایی از جمله اسپانیا و انگلستان اعتصاب‌های مشابهی شکل گرفته که خواسته تقریباً تمام آنها افزایش دستمزدها متناسب با افزایش کم‌سابقه نرخ تورم بوده است.

در اعتراضات کارگری علیه ناتو که برشمردیم بیشتر اتحادیه‌هایی حضور داشته‌اند، از جمله یواس‌بی، که عضو فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری<sup>۱۳</sup> بوده‌اند و موضع این فدراسیون نیز همسو با موضع احزابی چون حزب کمونیست یونان است. این فدراسیون جنگ اوکراین را جنگ امپریالیستی قلمداد می‌کند و شعارش محکومیت هر دو طرف جنگ است. ما پیش‌تر توضیح داده‌ایم که تحلیلی که جنگ اوکراین را جنگ امپریالیستی قلمداد می‌کند تحلیل نادرستی است، بنابراین در اینجا صرفاً اشاره می‌کنیم که چرا این اعتراضات با شعار محکومیت دو طرف همخوان نیست. در ایتالیا، یونان و کشورهای مانند آن، روسیه حضوری ندارد و مقابله با روسیه از طریق دولت‌های این کشورها صورت گرفته است — با تحریم روسیه. همچنین، دولت‌های این کشورها همه عضو ناتو هستند. به همین دلایل، شعار محکومیت هر دو طرف در عمل به محکومیت صرفاً ناتو انجامیده است. خود وضعیت و واقعیت جنگ، با حادث شدن، چنین نیروهای مبارزی را وادار می‌کند که یا در تحلیلشان تجدید نظر کنند و محکومیت روسیه را از شعارشان حذف کنند یا اینکه همچون برخی نیروهای سیاسی و اتحادیه‌های کارگری طرف دولت بورژوازی خود — نهایتاً ناتو — را بگیرند.

با این تفصیل، باید به اتحادیه‌های کارگری‌ای هم اشاره کنیم که طرف دولت بورژوازی خودشان را گرفته‌اند و از این نظر کاملاً مخالف با اتحادیه‌های کارگری مبارزی چون یواس‌بی عمل می‌کنند. محض نمونه، کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری آلمان، که هشت اتحادیه در شاخه‌های مختلف صنعت و خدمات با شش میلیون کارگر در عضویت خود دارد، در ۲ مارس، یعنی قریب یک هفته پس از آغاز جنگ، در بیانیه‌ای<sup>۱۴</sup> مواضع خود درباره جنگ را بیان کرده است. کنفدراسیون «حملة بی سابقه روسیه به نظم مبتنی بر صلح اروپایی [را] که اساسش بر آزادی، حقوق بشر، استقلال و عدالت است» «قویاً» محکوم کرده، خواستار احیای تمامیت ارضی اوکراین شده و از دولت آلمان خواسته که نقش اساسی در تلاش دیپلماتیک برای توقف جنگ ایفا کند. همچنین از تحریم‌های سخت دولت آلمان، اتحادیه اروپا و «متحدان غربی» حمایت کرده، خواستار کاهش وابستگی آلمان به واردات انرژی از روسیه شده و از دولت خواسته تا هزینه‌های انرژی شرکت‌ها در سطحی «قابل مدیریت» حفظ شود. کنفدراسیون در ادامه از «واکنش سریع» دولت آلمان به «تهاجم» روسیه دفاع کرده، سپس خود را جمع‌وجور کرده تا اعلام کند

---

13. World Federation of Trade Unions (WFTU)

۱۴. این بیانیه در لینک زیر در دسترس است:

<https://www.dgb.de/themen/+co++471b5b32-9a2d-11ec-87d5-001a4a160123>

که به افزایش هزینه‌های نظامی بودجه دولت «با نظر انتقاد خواهد نگرست» و افزوده که حفاظت از صلح با روش‌های نظامی نباید به ضرر «صلح اجتماعی»<sup>۱۵</sup> تمام شود، «خلع سلاح بین‌المللی»، «تفاهم بین‌المللی» و غیره. کنفدراسیون در انتها یادآوری کرده که جمهوری فدرال آلمان باید به مثابه «بازیگری عمده» در معماری امنیتی اروپا ایفای نقش کند.<sup>۱۶</sup> این نوع مواضع البته در اتحادیه‌های کارگری آلمان استثنا نیست و نمونه‌های دیگری هم دارد که از اشاره به آنها درمی‌گذریم.

## ۲. چپ و بورژوازی

پودموس<sup>۱۷</sup> در اسپانیا و زاپاتیستا<sup>۱۸</sup> در مکزیک دو گروهی‌اند که گسسته از «چپ سنتی» و محبوب چپ‌های مد روزند. مراجعه به نظرات گروه‌های چپی که در حکومت دخیل‌اند مانند پودموس و گروه‌هایی که سال‌هاست بر طبل خودمختاری می‌کوبند مانند زاپاتیستا در واقع آینه سکندری است که آینده چپ‌های ایرانی را، در صورتی که دستشان به بخشی از یک حاکمیت در ایران برسد، به ما نشان خواهد داد. اشتراک مواضع این گروه‌ها با چپ ایرانی در محکومیت روسیه حائز اهمیت است، ولی آنچه بیش از این اهمیت دارد آن است که این گروه‌ها از حرف فراتر رفته‌اند و در عمل نیز در خدمت «مقاومت اوکراین» و ارتش «رهایی‌بخش» ناتو قرار دارند. در زیر به پاره‌ای از مواضع و اعمال این دو گروه درباره جنگ روسیه و اوکراین اشاره می‌کنیم.

در اسپانیا، دولت ائتلافی است از پودموس و حزب کارگران سوسیالیست اسپانیا<sup>۱۹</sup>، که هر دو از احزاب چپ اسپانیایند، و این دولت ائتلافی از تهدیدات جنگی ناتو علیه روسیه و تحریم روسیه حمایت می‌کند. دولت ائتلافی اسپانیا با اعزام کشتی‌های جنگی و جت‌های جنگنده برای پیوستن به تهدیدات ناتو علیه روسیه در شرق اروپا موافقت کرد. وزیر دفاع اسپانیا اعلام کرد که این کشور یکی از مدرن‌ترین ناوچه‌های نیروی دریایی اسپانیا را به ناوگان دائمی ناتو می‌فرستد تا در شرق مدیترانه و دریای سیاه علیه روسیه عمل کند. همچنین ناتو در بیانیه‌ای در ۲۴ ژانویه ۲۰۲۲ (یعنی، یک ماه پیش از حمله روسیه به اوکراین) اعلام کرد که اسپانیا نیز کشتی‌هایی را برای ملحق شدن به نیروی دریایی ناتو اعزام می‌کند و در تدارک استقرار جنگنده‌هایش در بلغارستان است.<sup>۲۰</sup> علاوه بر این، وزیر دفاع اسپانیا گفت که مقام‌های این کشور طیف وسیعی از تسلیحات تهاجمی از جمله بیش از هزار

۱۵. «صلح اجتماعی» نام محترمانه آشتی طبقاتی است.

۱۶. به یاد داریم که آلمان به مثابه «بازیگری عمده» در بحران اقتصادی یونان چه نقشی ایفا کرد.

17. Podemos

18. Zapatista Army of National Liberation

19. PSOE

20. <https://www.mehrnews.com/news/5407894>

نارنجک‌انداز و مسلسل در اختیار اوکراین قرار خواهند داد. او گفت که در ۴ مارس دو هواپیما با سلاح‌های تهاجمی با هزار و ۳۷۰ نارنجک‌انداز، ۷۰۰ هزار فشنگ، مسلسل و همچنین مسلسل سبک به مقصد اوکراین پرواز خواهد کرد. البته پودموس مخالفت خود را با این تصمیم اعلام کرد و آن را اشتباه خواند.<sup>۲۱</sup> خود پودموس بر سر این موضوع دوپاره شده است. اینجا ممکن است تصور کنیم پودموس با سیاست مشارکت در تجهیز تسلیحاتی ناتو مخالف است، اما این چنین نیست و حتی به خود زحمت این را نداده که برای مشارکت نکردن در این عمل ننگین از ائتلاف با دولت خارج شود و کارزار مخالفت با تجهیز ناتو را راه بیندازد:

مخالفت با تشدید نظامی درگیری با تحویل تسلیحات به اوکراین باعث ایجاد شکاف در چپ می‌شود. مورد اسپانیا، از این جهت، بسیار جالب است. راست اسپانیا از سکوت حزب پودموس در تأیید ارسال تسلیحات به اوکراین خشمگین است و به پدرو سانچز، رهبر دولت سوسیالیستی این کشور، فشار می‌آورد تا آنها را از دولت اخراج کند و حزب چپ پوپولیست را به [عنوان] «شریک دشمن، دشمن اوکراینی‌ها، اروپا، صلح و آزادی» متهم می‌کند. پودموس که نتوانست مسئله را حل کند، در نهایت به قطعنامه‌ای در پارلمان اروپا رأی داد که خواستار تقویت تحریم‌ها علیه روسیه و دادن تسلیحات به اوکراینی‌ها بود.<sup>۲۲</sup>

پودموس همانند تمام آن احزاب سوسیال دموکرات در بین‌الملل دوم در زمان جنگ جهانی اول جانب بورژوازی کشور خود را گرفته است و در نهایت از تجهیز ارتش کشور خود برای جنگ دفاع کرده است - ارتشی که اینک در قالب ارتش ناتو منافع بورژوازی اسپانیا را نیز برمی‌آورد. ارتش رهایی‌بخش ملی زاپاتیستا نیز درباره جنگ روسیه و اوکراین بیانیه‌ای داده که، به سبب محبوبیت زاپاتیستا، به فارسی نیز ترجمه شده است. زاپاتیستا در این بیانیه معتقد است که «یک نیروی متجاوز وجود دارد» و آن یک نیرو ارتش روسیه است. در این بیانیه، «مقاومت اوکراین»، یعنی مبارزه نئوفاشیست‌ها، نیز ستوده شده و از نظر زاپاتیستا «پوتین تنها کسی نیست که از مقاومت اوکراین غافل‌گیر شده است».

بیاید از مقاومت آنها، یعنی از مبارزه آنها برای زندگی حمایت کنیم. ما مدیون آنها هستیم و مدیون خودمان هستیم... پس از چندین بار تلاش، کمیسیون ششم زاپاتیستا موفق شد با کسانی که شبیه به ما هستند در مقاومت و شورش در جغرافیایی که آنها روسیه و اوکراین می‌نامند تماس برقرار کند... ما همچنین خواستار حمایت مالی از مقاومت در اوکراین در حساب‌هایی

21. <https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1203478>

۲۲. استاتیس کوولاکیس، «ضدامپریالیسم امروز و جنگ در اوکراین: پاسخ به ژیلبر اشکارا»، *تقد/اقتصاد سیاسی*، ص ۱۸-۱۹.

هستیم که در زمان مناسب اعلام خواهد شد... ایستاده، فریاد می‌زنیم و فریاد می‌زنیم و می‌خواهیم: ارتش روسیه از اوکراین خارج شود!<sup>۲۳</sup>

در این بیانیه، ناتو و گسترش آن هیچ جایی در تحلیل زاپاتیستا ندارد، زیرا «یک نیروی متجاوز وجود دارد» و آن هم روسیه است. در برابر این «یک نیروی متجاوز» مقاومتی شکل می‌گیرد و اکنون دیگر بر همگان آشکار است که «مقاومت اوکراین» را چه نیروهایی بر عهده داشته‌اند: گردان‌های مزدور خارجی و نفوذاشیست‌ها به کمک تسلیحات و پول دولت‌های غربی. زاپاتیستا پس از چندین بار تلاش توانسته با نیروهای «مقاومت اوکراین» تماس برقرار کند، نیروهایی که «ارتش روسیه آنها را در اوکراین به قتل می‌رساند». بنابراین، زاپاتیستا توانسته سرانجام با خواهران و برادران آزوفی خود تماس برقرار کند و تازه پا را فراتر از حمایت در بیانیه می‌گذارد و خواستار حمایت مالی از «مقاومت در اوکراین» است و چه بسا در این لحظه حمایت‌های مالی‌اش را به این «مبارزان نستوه» رسانده باشد. تنها خواسته آنها هم این است که «ارتش روسیه از اوکراین خارج شود» و احتمالاً اوکراین و روسیه را به «مقاومت در اوکراین» بسپارد. اینها همان آرزوهای قلبی چپ‌هاست که البته، زاپاتیستا در راستای برآورده کردنش گام‌های عملی برداشته است. انتظار جز این هم از چپ‌های آنارشیست نمی‌توان داشت. این دو را مثال آوردیم تا گام‌های عملی چپ در کمک به جبهه ناتو و پیوند ناگسستنی چپ با بورژوازی را نشان دهیم و اهمیت وظیفه رسوا کردن چپ پیش چشمان طبقه کارگر را گوشزد کنیم.

### ۳. جنگ بازبایی هژمونی یا نبرد میان کمونیسم و فاشیسم؟

پیش‌تر به طور ایجابی نشان دادیم که جنگ بازبایی هژمونی و دستور کار کمونیستی در برابر آن چه خواهد بود و در مورد مشخص اوکراین نیز به نکاتی اشاره کردیم که امروز در جنبش کارگری مابازای آن را می‌بینیم. اما ضرورت دارد که به جنگ روسیه و اوکراین با دقت بیشتری پردازیم. اولاً، باید درباره نیروهایی که از آغاز درگیری‌ها در اوکراین به نوعی با عنوان نیروهای مقاومت در شرق اوکراین شناخته می‌شوند و در قالب‌های سیاسی و نظامی متشکل شده‌اند سخن گفت. عمده‌ترین و تأثیرگذارترین این نیروها دولت‌های جمهوری خلق دونتسک (جخد) و جمهوری خلق لوگانسک (جخل) هستند. گروه‌های نظامی و سیاسی‌ای که قدرت شرکت در دولت را نداشتند نیروهای ثانوی‌ای‌اند که بسته به قدرتش می‌توانند خط مشی دولت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار دهند. این

---

۲۳. «بیانیه زاپاتیست‌ها در مورد جنگ در اوکراین: بعد از نبرد هیچ چشم اندازی وجود نخواهد داشت»، *اخبار روز*، ۲۲ اسفند ۱۴۰۰. در نقل قول‌های زاپاتیستا، تأکیدها از ماست.



تدقیق از این بابت بر دوش ماست که وظیفه کمونیست‌هاست تا هر چیزی را به نام خودش بخوانند و با هر نیرویی همان گونه برخورد کنند که شایسته آن است و به رمانتیسیم (خیال‌پردازی) و ایدئالیسم درنیفتند. ثانیاً، باید اشاره کرد که نام‌گذاری جنگ موجود به عنوان نبرد میان کمونیسم و فاشیسم تأثیر سیاسی مخربی خواهد داشت و این از پیامدهای درافتادن به رمانتیسیم است. چنین نام‌گذاری‌ای خاک پاشیدن در چشم کارگران است. به این واسطه، ابتدا روایتی از دولت‌های دونتسک و لوگانسک و مهم‌ترین نیروهای سیاسی حاضر در منطقه دُنباس عرضه خواهیم کرد.

### الف) مهم‌ترین نیروهای سیاسی در دونتسک و لوگانسک

بعد از کودتای ۲۰۱۴، دو منطقه دونتسک و لوگانسک کنفدراسیون نووروسیا<sup>۲۴</sup> (روسیه نوین) را تشکیل دادند. نیروهای نظامی داوطلب مردمی دونتسک و لوگانسک نیز، که در سپتامبر ۲۰۱۴ با یکدیگر تلفیق شدند، نیروهای رزمی متحد نووروسیا<sup>۲۵</sup> را تشکیل دادند. هرچند که پس از یک سال پروژه نووروسیا کنار گذاشته شد، این مناطق خودمختار کماکان در قالب‌های دفاعی مشترک عمل می‌کردند. فرماندهی کل آنها نیز ایوان کورسون<sup>۲۶</sup> بود.<sup>۲۷</sup>

در انتخابات سال ۲۰۱۴، در جغد، الکساندر زاخارچنکو<sup>۲۸</sup> سمت رئیس جمهوری را به دست آورد و جنبش اجتماعی جمهوری دونتسک<sup>۲۹</sup> به رهبری او اکثریت پارلمان را کسب کرد. در جخل، ایگور پلوتنیتسکی<sup>۳۰</sup> مقام رئیس جمهوری را کسب کرد و جنبش اجتماعی صلح برای منطقه لوگانسک<sup>۳۱</sup> به رهبری او صاحب اکثریت پارلمان شد.<sup>۳۲</sup>

---

۲۴. Novorossiia، روسیه نوین نامی است که برای منطقه دُنباس انتخاب شده بود.

25. United Armed Forces of Novorossiia

26. Ivan Korsun

27. <https://tass.com/world/749812>

در این بخش از مقاله کوشش کرده‌ایم که —تا جای ممکن— از منابع رسمی روسیه یا طرفدار روسیه یا منابع طرفدار مقاومت دُنباس و همچنین مصاحبه‌های شخصیت‌های ذکر شده استفاده کنیم تا اینکه به منابع غربی ارجاع دهیم. همچنین هر جا که خواسته‌ایم به احزاب و گروه‌های سیاسی و نظامی ارجاع دهیم تلاش کرده‌ایم —تا جای ممکن— به سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی خود آنها ارجاع دهیم. در تمام این موارد، از منابع غربی فقط در جایی که ناچار بودیم استفاده کردیم، که تعداد آنها انگشت‌شمار است.

28. Alexander Zakharchenko

29. Donetsk Republic

30. Igor Plotnitsky

31. Peace to Luhanshchina

32. <https://tass.com/world/757913>; <https://web.archive.org/web/20141104053933/http://dnr.today/news/cik-dnr-oglasil-itogovye-cifry-rezultatov-vyborov-2-noyabrya/>

در انتخابات سال ۲۰۱۴ دونتسک، سه نامزد برای مقام رئیس جمهوری رقابت کردند: الکساندر زاخارچنکو، یوری سیووکونکو<sup>۳۳</sup> و الکساندر کوفمن<sup>۳۴</sup>. دو گروه سیاسی در انتخابات شورای خلق (پارلمان جمهوری) به رقابت پرداختند: جنبش اجتماعی جمهوری دونتسک و جنبش اجتماعی دنباس آزاد<sup>۳۵</sup>.

علاوه بر دو گروه یادشده، حزب کمونیست جخد<sup>۳۶</sup>، که تا پیش از کودتا شاخه دونتسک حزب کمونیست اوکراین<sup>۳۷</sup> بود، برای شرکت در انتخابات برنامه‌ریزی کرده بود، اما به دلیل اینکه «در اسناد ارائه‌شده خود اشتباهات زیادی مرتکب شده بود» اجازه شرکت در این انتخابات را نداشت. این حزب انتخابات را تحریم نکرد اما از کسی هم حمایت نکرد و در کنگره آن تصویب شد که هر عضوی مستقلاً درباره شرکت کردن یا نکردن تصمیم بگیرد.<sup>۳۸</sup>

گفتنی است که دبیر کل این حزب، باریس لیتوینف<sup>۳۹</sup>، تا پیش از انتخابات از ژوئیه تا اکتبر ۲۰۱۴ ریاست شورای خلق را بر عهده داشت. اما پس از انتخابات، حزب فقط سه نماینده در شورای خلق به دست آورد: باریس لیتوینف، وادیم زایبرت<sup>۴۰</sup> و نیکولای راگوزین<sup>۴۱</sup>. زایبرت در جنگ کشته شد. در سال ۲۰۱۶، لیتوینف و راگوزین نیز به دلیل «رأی عدم اعتماد» از شورای خلق اخراج شدند، بنابراین حزب از آن به بعد در شورای خلق بدون نماینده باقی ماند. ماجرا از این قرار بود که، در آغاز ژوئن، لیتوینف و راگوزین به دلیل «رأی عدم اعتماد»، بدون محاکمه یا اتهامی، از نمایندگی محروم شدند. تعداد ۶۸ نماینده از دنیس پوشیلین<sup>۴۲</sup> در موضوع «رأی عدم اعتماد» حمایت کردند و از کنار گذاشتن کمونیست‌ها از مجلس دفاع کردند. اوضاع برای کمونیست‌ها سخت‌تر شد. در روز تولد لنین، گذاشتن گل پای بنای یادبود لنین و برگزاری تجمع ممنوع شد. در ۱ مه، ۹ مه و ۱۱ مه (روز استقلال جخد) اجازه داده نشد که با پرچم‌های سرخ راه بروند و حق سخنرانی در تجمعات داده نشد. پوشیلین و حامیانش می‌خواستند ۵۰ درصد از تولیدات الکل و تنباکو به دولت و ۵۰ درصد به کسب‌وکارهای خصوصی اختصاص داده شود و کمونیست‌ها در شورای خلق با آن مخالفت کردند. پس از این بود که لیتوینف و راگوزین از شورای خلق اخراج شدند. آنها علاوه بر این هشداری مبنی بر این گرفتند که در جخد هیچ حزبی نباید باشد، مگر جنبش‌های اجتماعی دنباس آزاد و جمهوری دونتسک.<sup>۴۳</sup>

---

33. Yuri Sivokonko

34. Alexander Kofman

35. Free Donbas

36. Communist Party of the Donetsk People's Republic (CPDPR)

37. Communist Party of Ukraine (KPU)

38. <http://wpered.su/2018/12/20/glavnuyu-oporu-vidim-v-proletariate/>

39. Boris Litvinov

40. Vadim Zaibert

41. Nikolai Ragozin

42. Denis Pushilin

43. <https://lefrussia.wordpress.com/2016/08/11/donetsk-the-third-extraordinary-congress-of-the-communist-party-of-the-dnr-took-place/>

افزون بر حزب کمونیست، یکی دیگر از احزابی که به دلایلی مشابه از شرکت در انتخابات جغد منع شد حزب روسیه نوین<sup>۴۴</sup> به رهبری پاول گوباروف<sup>۴۵</sup> بود.<sup>۴۶</sup> او یکی از اصلی ترین شخصیت های آغاز مقاومت در شرق اوکراین بود و بعد از کودتای ۲۰۱۴، در ۱ مارس برای مقام فرماندار خلق<sup>۴۷</sup> (که به نوعی فرمانداری منطقه دونتسک بود) در نشست مردمی انتخاب شد و خود را رهبر نیروهای نظامی داوطلب مردمی دنباس<sup>۴۸</sup> نامید.<sup>۴۹</sup> مأموران امنیت اوکراین او را بازداشت و به کیف منتقل کردند. مدتی بعد با تنی چند از افسران به اسارت درآمد دولت کیف معاوضه شد.<sup>۵۰</sup> هرچند گوباروف هیچ گاه اجازه نیافت در فرایند رسمی انتخابات دنباس شرکت کند، به عنوان اولین فرماندار خلق دونتسک پس از کودتا اهمیت دارد.<sup>۵۱</sup> به گفته ییکاتیرینا گوباروا<sup>۵۲</sup>، رهبر وقت حزب روسیه نوین پس از حمله به گوباروف و وخامت حالش، در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۴، نمایندگان حزب روسیه نوین به عنوان بخشی از جنبش دنباس آزاد در انتخابات پارلمان شرکت کردند.<sup>۵۳</sup>

زاخارچنکو با کسب ۷۷.۵۱ درصد آرا در انتخابات برنده و رئیس دولت جغد شد و جای الکساندر بورودای<sup>۵۴</sup> را گرفت.<sup>۵۵</sup> زاخارچنکو در بمب گذاری ای که احتمالاً به دست نفوذاشیست های اوکراینی انجام شده بود قبل از پایان مأموریتش در مقام رئیس جمهوری کشته شد.<sup>۵۶</sup> جای او را موقتاً دیمیتری تراپژنیکوف<sup>۵۷</sup>، که معاون زاخارچنکو بود، گرفت.<sup>۵۸</sup> تراپژنیکوف به مدت هفت روز سرپرست بود و سپس شورای خلق دنیس پوشیلین

---

گواهینامه حزب کمونیست جغد از ۲۰۱۶ به دست کمیسیون مرکزی انتخابات (CEC) باطل شده است. در سال ۲۰۱۸ (۲۹ سپتامبر) و ۲۰۱۹ نیز، رهبران حزب به وسیله انفجار بمب در دفتر حزب و آتش زدن خانه لیتوینف تهدید شده اند. لیتوینف معتقد است حمله به مکان هایی که به حزب کمونیست مربوط است با این هدف انجام شده است: ایجاد اخلال در مشارکت کمونیست ها در مبارزات انتخاباتی.

<https://antifashist.com/item/v-dnr-dejstvuyut-metodami-ukrainskoj-vlasti-neizvestnye-podozhgli-dom-lidera-kompartii-dnr.html>; <http://wpered.su/2018/09/29/v-pomeshhenii-kompartii-dnr-progremel-vzryv/>

44. New Russia Party

45. Pavel Gubarev

46. <https://srbin.info/en/svet/pavel-gubarev-balkan-info-rusi-i-srbi-su-braca-vekovima-i-imamo-nerazrusivo-jedinstvo-video/>

47. People's Governor

48. Народное ополчение Донбасса

49. <https://srbin.info/en/svet/pavel-gubarev-balkan-info-rusi-i-srbi-su-braca-vekovima-i-imamo-nerazrusivo-jedinstvo-video/>; <https://en.topwar.ru/59077-intervyu-s-pavlom-gubarevym.html>

50. <https://srbin.info/en/svet/pavel-gubarev-balkan-info-rusi-i-srbi-su-braca-vekovima-i-imamo-nerazrusivo-jedinstvo-video/>; <https://tass.com/world/730793>

51. <https://www.mk.ru/politics/2014/10/30/dadut-li-novorossii-sdelat-vybor.html>

52. Ekaterina Gubareva

53. <https://en.topwar.ru/60289-svodki-ot-opolcheniya-novorossii-za-13-oktyabrya-2014-goda.html>

54. Alexander Borodai

55. <https://tass.com/emergencies/1019477>

56. <https://tass.com/politics/1019487>; <https://tass.com/world/1021753>

57. Dmitry Trapeznikov

58. <https://tass.com/world/1019511>

(رئیس شورای خلق) را در سمت سرپرست ریاست جمهوری جانشین تراپژنیکوف کرد. او از سپتامبر ۲۰۱۵ رئیس شورای خلق و از نوامبر ۲۰۱۴ نماینده جغد در مذاکرات مینسک بود.<sup>۵۹</sup> پوشیلین با انتخابات ۲۰۱۸، که در آن بیش از ۶۰ درصد آرا را کسب کرد، رئیس جمهوری شد.<sup>۶۰</sup>

در منطقه دونتسک، از چهار نیروی سیاسی صحبت شد: جمهوری دونتسک، دنباس آزاد، حزب روسیه نوین و حزب کمونیست جغد. قدرت سیاسی و مناصب رسمی در دونتسک کاملاً در ید جمهوری دونتسک و دنباس آزاد است، که هر دو غیر کمونیست‌اند. جنبش اجتماعی جمهوری دونتسک بیش از ۲۳۵ هزار عضو دارد و برای اتحاد مجدد با روسیه بزرگ تلاش می‌کند.<sup>۶۱</sup> از میان این چهار نیروی سیاسی فقط یک نیرو وجود دارد که خود را کمونیست می‌خواند: حزب کمونیست جغد.

این نیروهای سیاسی در جغد بود که دیدیم و حالا نوبت آن است که به سراغ نیروهای سیاسی در جخل برویم.

در لوگانسک، پس از شروع مقاومت، الکساندر خاریتونوف<sup>۶۲</sup> فرماندار خلق شد.<sup>۶۳</sup> او رهبر سازمان گارد لوگانسک<sup>۶۴</sup> و همچنین دبیر کمیته منطقه‌ای لوگانسک حزب سوسیالیست مترقی اوکراین<sup>۶۵</sup> (حزب سما) بود<sup>۶۶</sup> و بعدها عضو حزب کمونیست جخل<sup>۶۷</sup> شده است.<sup>۶۸</sup>

والری بولوتوف<sup>۶۹</sup> اولین رئیس جخل بود، که در مه ۲۰۱۴ انتخاب شد و در اوت ۲۰۱۴ از سمتش استعفا کرد و در ژانویه ۲۰۱۷ در خانه‌اش در مسکو درگذشت.<sup>۷۰</sup> او کمونیست بود و به حزب کمونیست جخل نزدیک بود.<sup>۷۱</sup> پس از استعفای بولوتوف، پلوتنیتسکی، که وزیر دفاع بود، سرپرست ریاست جمهوری شد.

59. <https://tass.com/world/1021753>; <https://tass.com/world/1022517>

60. <https://tass.com/world/1030356>

61. <http://oddr.info/o-nas/>

62. Aleksandr Kharitonov

63. <https://ria.ru/20140807/1019160323.html>

64. Луганская гвардия

65. Progressive Socialist Party of Ukraine (PSPU)

66. <https://www.0642.ua/news/471293/rukovoditel-luganskoj-gvardii-aleksandr-haritonov-sdelat-provokaciu-i-izbit-ves-etot-majdan-na-samom-dele-ocen-legko>

67. Communist Party of the Lugansk People's Republic (CPLPR)

68. <https://kprf.ru/kpss/160009.html>; <https://thesanghakommune.org/2018/06/29/annual-report-of-the-communist-party-of-lugansk-the-communist-union-of-the-lugansk-region-28-8-2016/>;

<https://thesanghakommune.org/2019/10/06/stalin-inspires-lugansk-communists-to-resist-western-backed-neo-nazism-3-3-2018/>

69. Valery Bolotov

70. <https://ria.ru/20170127/1486662842.html>; <https://fr.topwar.ru/108123-umer-pervyy-glava-lnr-valeriy-bolotov.html>

71. <https://thesanghakommune.org/2022/04/12/lpr-tributes-paid-to-valery-bolotov-27-1-2022/>

در انتخابات سال ۲۰۱۴ لوگانسک، چهار نامزد برای مقام رئیس جمهوری رقابت کردند: ایگور پلوتنیتسکی، اولگ آکیموف<sup>۷۲</sup>، لاریسا آیراپتیان<sup>۷۳</sup> و ویکتور پنر<sup>۷۴</sup>. همچنین سه نیروی سیاسی در انتخابات به رقابت پرداختند: صلح برای منطقه لوگانسک، اتحادیه اقتصادی لوگانسک<sup>۷۵</sup> و اتحادیه مردمی<sup>۷۶</sup>. پلوتنیتسکی به نمایندگی از صلح برای منطقه لوگانسک با بیش از ۶۰ درصد آرا برنده انتخابات شد.<sup>۷۷</sup> وی نیز، قبل از اتمام دوره ریاست جمهوری، در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۷، از قدرت کناره‌گیری کرد و لئونید پاسیچنیک<sup>۷۸</sup> سرپرست ریاست جمهوری شد،<sup>۷۹</sup> که اندکی بعد در انتخابات سال ۲۰۱۸ به نمایندگی از صلح برای منطقه لوگانسک با کسب ۶۸.۳ درصد آرا پیروز و رئیس جمهوری شد. این جنبش در شورای خلق نیز پیروز شد و اتحادیه اقتصادی لوگانسک اقلیت شورا را کسب کرد.<sup>۸۰</sup> پاسیچنیک از حامیان برگزاری انتخابات برای پیوستن به روسیه است.<sup>۸۱</sup>

در منطقه لوگانسک، از سه نیروی سیاسی صحبت به میان آمد که در انتخابات شرکت کردند: صلح برای منطقه لوگانسک، اتحادیه اقتصادی لوگانسک و اتحادیه مردمی. به گزارش سرویس مطبوعاتی صلح برای منطقه لوگانسک، این جنبش اجتماعی بیش از ۱۰۷ هزار عضو دارد (آمار سال ۲۰۱۹).<sup>۸۲</sup> این جنبش اجتماعی آن طور که در سایتش خود را معرفی کرده است از «نقش تاریخی ویژه کلیسای ارتدکس روسیه» تقدیر می‌کند و «از حقوق و فرصت‌های برابر برای همه ادیان مرسوم لوگانسک دفاع» می‌کند. همچنین، از وظایف اقتصادی‌ای که برای خود تعیین کرده است «دادن تضمین‌های قانونی موثق برای کسب‌وکار و تضمین کردن حراست از مالکیت خصوصی» است.<sup>۸۳</sup> اتحادیه اقتصادی لوگانسک را کارآفرینان لوگانسک، کاسبان و نمایندگان صنعت جنخل تأسیس کردند. به گفته رئیس کمیته اجرایی اتحادیه اقتصادی لوگانسک، این جنبش بیش از ۲۵ هزار و ۱۶۰ عضو دارد (در ژانویه ۲۰۲۱).<sup>۸۴</sup> از اتحادیه مردمی فقط این را می‌دانیم که فهرست انتخاباتی آنها در شورای خلق به رهبری رئیس دانشگاه ولادیمیر دال لوگانسک، روسلان خارکوفسکی<sup>۸۵</sup>، بوده است و اتحادیه مردمی از ملی شدن بنگاه‌های بزرگ و توسعه خدمات و آموزش حمایت می‌کرده است و ۳.۸۵ درصد نیز رأی آورده است.<sup>۸۶</sup> در میان این سه

72. Oleg Akimov

73. Larisa Airapetyan

74. Viktor Penner

75. Luhansk Economic Union

76. People's Union

77. <https://tass.com/world/757944>; <https://tass.com/world/757777>

78. Leonid Pasechnik

79. <https://tass.com/world/977397>

80. <https://tass.com/world/1030922>

81. <https://tass.com/world/1427939>

82. <https://lug-info.com/news/obschestvennoe-dvizhenie-mir-luganschine-naschityvaet-1005-tys-uchastnikov-4658>

83. <https://mir-lug.info/programma-od-mir-luganshchine/>

84. <https://lug-info.com/news/obschestvennoe-dvizhenie-luganskii-ekonomicheskii-soyuz-naschityvaet-bolee-25-tys-uchastnikov-63881>

85. Руслан Харьковский

86. <https://lug-info.com/documents/vybory-glavy-i-deputatov-narodnogo-soveta-lnr-2>

نیروی سیاسی دو نیرو مشخصاً از سیاست‌های بورژوازی حمایت می‌کنند و سومی، یعنی اتحادیه مردمی، در انتخابات ۲۰۱۸ شرکت نکرده است و احتمالاً دیگر وجود ندارد.

## ب) ناسیونال بلشویسم

به پوشیلین و منازعه طرفدارانش در جنبش اجتماعی جمهوری دونتسک با کمونیست‌ها و همچنین صلح برای منطقه لوگانسک و اتحادیه اقتصادی لوگانسک اشاره کردیم و با همین اشاره‌ها می‌توان پی برد که با نیروهایی مواجهیم که سیاست بورژوازی را پیش می‌برند. اکنون نوبت نوشتن درباره حزب روسیه نوین و گوبارف است. گفته می‌شود که گوبارف پیش‌تر عضو حزب سما بوده است.<sup>۸۷</sup> حزب اخیر در سنت ناسیونال بلشویسم<sup>۸۸</sup> جا می‌گیرد سستی که امروز هم به گونه‌ای متفاوت به احیای شوروی می‌نگرد. برای تشخیص بهتر ناسیونال بلشویسم نهفته در گوبارف و حزب سما باید به شخص دیگری اشاره کنیم، که تکمیل‌کننده این پازل است: الکساندر دوگین<sup>۸۹</sup>. دوگین از مؤسسان و تأثیرگذاران در تشکیل حزب ناسیونال بلشویک در سال ۱۹۹۳، حزب اوراسیا در ۲۰۰۲، جنبش بین‌المللی اوراسیا در ۲۰۰۳، اتحاد جوانان اوراسیا در ۲۰۰۵ و جبهه ناسیونال بلشویک در ۲۰۰۶ است<sup>۹۰</sup> و مشخصاً از طرفداران ناسیونال بلشویسم و از نظریه‌پردازان سیاسی مشهور در روسیه کنونی است. حزب سما همکاری تنگاتنگی با جنبش بین‌المللی اوراسیا و اتحاد جوانان اوراسیا دارد و رهبر حزب سما، ناتالیا ویترنکو<sup>۹۱</sup>، عضو شورای عالی جنبش بین‌المللی اوراسیا است.<sup>۹۲</sup> پاول گوبارف و همسرش، بیکاتیرینا گوباروا، نیز با دوگین در ارتباطند و از او تأثیر پذیرفته‌اند.<sup>۹۳</sup> گوبارف هدف اصلی خود را استقلال از اوکراین به هر شکلی، بازگرداندن تمامیت ارضی قلمرو روسیه و بازگرداندن دنباس به روسیه برمی‌شمارد.<sup>۹۴</sup> او مشخصاً خود را ناسیونالیست روس می‌داند البته با ذکر این قید که ناسیونالیسم او ناسیونالیسم قومی نیست.<sup>۹۵</sup> همچنین معتقد است که وقتی صاحب بنگاه اقتصادی‌ای از مخالفان جمهوری خلق است باید آن بنگاه را ملی کرد، اما در غیر این صورت مخالف ملی‌سازی بنگاه‌هاست. می‌گوید هم با سیاست‌مداران چپ و هم ملی‌گرایان کار کرده است، با

87. <http://novorossiysolidarity.blogspot.com/2014/12/history-of-novorossiya-2014.html>

88. National Bolshevism

89. Alexander Dugin

90. National Bolshevik Party, Eurasia Party, International Eurasian Movement, Eurasian Youth Union, National Bolshevik Front

91. Nataliya Vitrenko

92. <http://med.org.ru/news/42>; <http://med.org.ru/article/2766>; <http://med.org.ru/article/1797>

93. <http://med.org.ru/article/4776>; <http://med.org.ru/article/4858>

94. <http://dnr-live.ru/p-gubarev-o-vyiborah-politike-v-dnr-i-tselyah-svoey-komandyi/>; <https://en.topwar.ru/59077-intervyu-s-pavlom-gubarevym.html>

95. <https://en.topwar.ru/59077-intervyu-s-pavlom-gubarevym.html>

همه کسانی که از پیوستن به روسیه حمایت کردند.<sup>۹۶</sup> این را نیز باید در نظر گرفت که گوبارف زمانی در اردوگاه‌های نظامی اتحاد ملی روسیه<sup>۹۷</sup> (گروهی نئوفاشیست) آموزش دیده است و در جوانی عضو آن بوده است.<sup>۹۸</sup> بنابراین، وجه مشترک دوگین، گوبارف و حزب سما را باید ناسیونال بلشویسم قلمداد کرد.

ناسیونال بلشویسم به دوران انقلاب اکتبر یا دقیق‌تر به دوران تثبیت قدرت بلشویک‌ها پس از آن برمی‌گردد. با مراجعه به مباحث دربارهٔ نپ (سیاست اقتصادی نوین)<sup>۹۹</sup> به نام نیکولای اوستریالوف<sup>۱۰۰</sup> برمی‌خوریم، که از مهم‌ترین شخصیت‌های ناسیونال بلشویسم در روسیه است. اوستریالوف سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ کادت فعالی بود و در پایان سال ۱۹۱۷ در مقام رئیس کمیته استانی حزب کادت انتخاب شد.<sup>۱۰۱</sup> در دورهٔ وحشت سرخ در ۱۹۱۸، اوستریالوف و دوستانش از مسکو گریختند و به مقاومت نظامی فعال علیه بلشویک‌ها پیوستند، البته نه برای همیشه.<sup>۱۰۲</sup> در اکتبر ۱۹۱۹، او به سمت رئیس شاخهٔ شرقی حزب کادت انتخاب شد. شکست کولچاک او را در وضعیت وحشتناک بحرانی فروبرد. سه شبانه‌روز بی‌خوابی را در شهر چیتا گذراند و به آنچه اتفاق افتاده بود فکر کرد. ناگهان تغییر رادیکالی رخ داد. آنجا، در چیتا، سرانجام به نتیجه‌ای منطقی از آنچه در سال‌های ۱۹۱۷-۱۹۱۸ گفته بود رسید: او به سودمندی بلشویک‌ها از دیدگاه ملی روسیه پی برد! او از چیتا به هاربین، در چین، نقل مکان کرد و فعالانه شروع به تبلیغ ناسیونال بلشویسم کرد.<sup>۱۰۳</sup> این سرگذشت مختصری از اوستریالوف بود. در زیر، لنین توصیف دقیقی از کیفیت سیاسی او عرضه می‌کند:

در این خصوص، می‌خواهم به این سؤال پردازم: سیاست اقتصادی نوین [نپ] بلشویک‌ها چیست — تحول یا تاکتیک؟ این سؤال را گروه /سمننا و خ مطرح کرده است، که، همان‌طور که می‌دانید، جریانی است که میان مهاجران روس پدید آمده است. این جریان اجتماعی-سیاسی‌ای است که برخی از شاخص‌ترین دمکرات‌های مشروطه‌خواه، چند وزیر دولت<sup>۱۰۴</sup> پیشین کولچاک، آن را رهبری می‌کنند، افرادی که به این نتیجه رسیده‌اند که دولت شوروی در حال توسعه دادن کشور روسیه است و بنابراین باید حمایتش کرد. آنها بدین ترتیب استدلال می‌کنند: «بنای دولت

96. <https://eadaily.com/ru/news/2018/09/14/pavel-gubarev-my-dolzheny-vernut-to-cto-nam-russkim-prinadlezhit-po-pravu>

97. Russian National Unity (RNU)

98. <http://novorossiysolidarity.blogspot.com/2014/12/history-of-novorossiya-2014.html>;

<https://en.topwar.ru/59077-intervyu-s-pavлом-gubarevym.html>; [https://rusvesna.su/recent\\_opinions/1402141589](https://rusvesna.su/recent_opinions/1402141589)

99. New Economic Policy (NEP)

100. Nikolay Ustryalov

101. Mikhail Agursky, *The Third Rome: National Bolshevism in the USSR*, Boulder: Westview Press, 1987, P. 185.

102. *Ibid*, P. 187.

103. *Ibid*, P. 240.

۱۰۴. در این چند پاراگراف از لنین، به‌ناچار government را «دولت» و state را نیز، هر جا لازم بود، «حکومت» ترجمه کرده‌ایم.

شوروی بر چه نوع حکومتی است؟ کمونیست‌ها می‌گویند دارند حکومت کمونیستی بنا می‌کنند و به ما اطمینان می‌دهند که سیاست نوین [نپ] مسئله تاکتیکی است: بلشویک‌ها در شرایط دشوار از سرمایه‌داران خصوصی استفاده می‌کنند، اما بعداً بر آنها غلبه می‌کنند. بلشویک‌ها می‌توانند هر چه می‌خواهند بگویند؛ در واقع، این تاکتیک نیست بلکه تحول، یعنی احیای درونی، است؛ آنها به حکومت متعارف بورژوایی خواهند رسید و ما باید از آنها حمایت کنیم. تاریخ از راه‌های پریپچ‌وخم پیش می‌رود.»

برخی‌شان وانمود می‌کنند کمونیست‌اند، اما دیگرانی هستند که صادق‌ترند؛ یکی از اینها اوستریالوف است. گمان می‌کنم در دولت کولچاک وزیر بود. او با هم‌قطارانش موافق نیست و می‌گوید: «شما می‌توانید درباره کمونیسم هر چه می‌خواهید فکر کنید، اما من معتقدم که مسئله تاکتیک نیست، بلکه مسئله تحول است.» باور دارم که اوستریالوف، با این صداقت، دارد خدمت بزرگی به ما می‌کند. ما، و مخصوصاً من، به دلیل موقعیتم، دروغ‌های خیال‌انگیز کمونیستی زیادی می‌شنویم، «چاخان کمونیستی»، هر روز، و گاهی از شنیدنشان خسته می‌شویم. اما الان به جای این «چاخان‌های کمونیستی» نسخه‌ای از *اسمنا وِخ* دارم، که کاملاً آشکار می‌گوید: «اوضاع اصلاً آن طوری نیست که تصور می‌کنید هست. در حقیقت، شما دارید به تدریج در منجلاب متعارف بورژوایی می‌افتید با پرچم‌های کمونیستی‌ای که شعارهایی بر آن نقش بسته و در همه جا نصب شده است.» این خیلی مفید است. این تکرار چیزی نیست که مدام در اطرافمان می‌شنویم، بلکه حقیقت طبقاتی آشکاری است که دشمن طبقاتی بیان کرده است. خواندن این نوع مطالب خیلی مفید است؛ و این نه به این دلیل نوشته شده که حکومت کمونیستی اجازه می‌دهد برخی مطالب را بنویسید و برخی را نه، بلکه به این دلیل نوشته شده که واقعاً حقیقت طبقاتی است و دشمن طبقاتی آن را بی‌پرده و صادقانه بیان کرده است. اوستریالوف، با اینکه دمکرات مشروطه‌خواه، بورژوا و حامی مداخله بود، می‌گوید، «من موافق حمایت از دولت شوروی‌ام. من موافق حمایت از قدرت شوروی‌ام، زیرا راهی را در پیش گرفته است که آن را به حکومت متعارف بورژوایی منتهی خواهد کرد.»

این بسیار مفید است و عقیده دارم که باید آن را در نظر داشت. برای ما خیلی بهتر است که گروه *اسمنا وِخ* به این گونه بنویسند تا اینکه برخی‌شان وانمود کنند واقعاً کمونیست‌اند، طوری که آدم از دور نتواند تشخیص دهد که آیا به خدا اعتقاد دارند یا به انقلاب کمونیستی. باید صریحاً بگوییم که چنین دشمنان صادقی مفیدند. باید صریحاً بگوییم که مطالبی که اوستریالوف



درباره آنها صحبت می‌کند ممکن است. تاریخ با انواع استحالها آشناست. تکیه بر ایمان راسخ، وفاداری و دیگر صفات عالی اخلاقی ابداً طرز برخورد جدی در سیاست نیست. افراد کمی ممکن است از صفات عالی اخلاقی بهره‌مند باشند، ولی درباره مسائل تاریخی توده کثیری تصمیم می‌گیرند، که، اگر آن افراد کم راضی‌شان نکنند، ممکن است گاهی با آنها هیچ مؤدبانه رفتار نکنند.<sup>۱۰۵</sup>

با این توضیحات، آشکار است که ناسیونال بلشویسم از سنت بورژوازی آمده است و در برقراری حکومت شوروی نه سوییۀ پرولتری آن بلکه عظمت‌طلبی ملت و کشور روسیه را می‌بیند. حزب روسیۀ نوین و گوبارف نیز نماینده چنین دیدگاه بورژوازی اند.

### ج) نیروهای سیاسی کمونیست در جمهوری‌ها

آنچه گفتیم بیشتر درباره نیروهای تأثیرگذار در صحنه رسمی سیاست بود. در اینجا درباره نیروهای کمونیست<sup>۱۰۶</sup> در جند و جنخل می‌نویسیم، آنهایی که با توجه به حضورشان در منطقه و شواهد موجود ممکن است تأثیرگذار باشند.

در دونتسک، گفتیم که چهار نیروی سیاسی تأثیرگذار در عرصه سیاست جمهوری وجود دارد (جمهوری دونتسک، دنباس آزاد، حزب روسیۀ نوین و حزب کمونیست جند) و فقط یکی از آنها خود را کمونیست می‌خواند: حزب کمونیست جند، که پیش‌تر اشاره شد ۳ عضو در شورای خلق داشته و رهبر آن در ابتدا رئیس این شورا بوده است. این حزب در ۸ اکتبر ۲۰۱۴ تأسیس شد و حدود ۱۰۰ نفر در جلسه تأسیس حزب شرکت کردند، که ۱۰۰۰ نفر را نمایندگی می‌کردند. گروه‌هایی که در تأسیس حزب شرکت داشتند شامل اعضای سابق حزب کمونیست اوکراین، اتحادیۀ بوروتبا<sup>۱۰۷</sup> و جبهه کارگران لوگانسک<sup>۱۰۸</sup> بودند.<sup>۱۰۹</sup> لیتوینف، در مه ۲۰۲۲، می‌گوید، «قبل از شروع جنگ کنونی، حزب کمونیست ۱۰۸۰ نفر را ثبت نام کرده بود. با شروع جنگ و تخلیه

---

105. V. I. Lenin, "ELEVENTH CONGRESS OF THE R.C.P.(B.)," *Collected Works*, Vol. 33, Moscow: Progress Publishers, 1973, PP. 285-287.

۱۰۶. در بررسی نیروهای کمونیست در جند و جنخل، ما در پی صحت‌سنجی کمونیست بودن آنها نیستیم و همین که نیرویی خود را کمونیست بنامد یا به کمونیست بودن مشهور باشد و علاوه بر این، طرفدار مقاومت در دنباس باشد آن را نیروی کمونیستی در نظر گرفته‌ایم. بررسی رویکرد این نیروها خود مجال دیگری می‌طلبد.

107. Union Borotba

108. Workers' Front of Lugansk

109. <https://www.workers.org/2014/10/16443/>

جمعیت... ما احساس می‌کنیم که صفوفمان پراکنده شده و تقلیل پیدا کرده است...»<sup>۱۱۰</sup> استانیسلاو رتینسکی<sup>۱۱۱</sup>، دبیر کمیته مرکزی حزب، می‌گوید که بیش از ۲۰ نماینده از ۹۸ نماینده در شورای عالی<sup>۱۱۲</sup> جنخد کمونیست بودند.<sup>۱۱۳</sup>

در لوگانسک، در جست‌وجوی نیروهای کمونیستی به اتحادیه کمونیست‌های لوگانسک<sup>۱۱۴</sup> برمی‌خوریم. در ۲۲ اوت ۲۰۱۵، کنگره مؤسس اتحادیه کمونیست‌های لوگانسک برگزار شد و دبیر اول کمیته مرکزی آن ایگور گومینیوک<sup>۱۱۵</sup> بود. ۱۰۴ نفر در کنگره حضور داشتند.<sup>۱۱۶</sup> در ادامه فعالیت‌های اتحادیه کمونیست‌های لوگانسک، کنگره مؤسس حزب کمونیست جنخل در ۱۲ مارس ۲۰۱۶ برگزار شد.<sup>۱۱۷</sup> بیش از ۱۰۰ نفر در کنگره شرکت کردند و در میان این ۱۰۰ نفر یک نماینده شورای خلق جنخل الکساندر آندریانوف<sup>۱۱۸</sup> — نیز وجود داشت و گومینیوک دبیر اول کمیته مرکزی حزب شد.<sup>۱۱۹</sup> حزب کمونیست جنخل می‌گوید نیمی از ترکیب هیئت نمایندگان اولین شورای خلق جنخل در تصرف کمونیست‌ها بود و کمونیست‌ها از همان روزهای آغازین ایجاد جمهوری‌ها در صف اول مدافعان و سازندگان دولت بودند و البته رهبران منطقه‌ای لوگانسک حزب کمونیست اوکراین از توده‌ها

110. <http://wpered.su/2022/05/17/boris-litvinov-kprf-okazyvaet-donbassu-neocenimuyu-pomoshh/>

111. Stanislav Retinsky

۱۱۲. به نظر می‌رسد منظور از «شورای عالی» اولین شورای خلق باشد، چیزی مشابه مجلس مؤسسان، چون برای دوران قبل از انتخابات نوامبر ۲۰۱۴ اطلاق می‌شود.

113. <http://wpered.su/2017/11/01/donbass-and-the-class-approach/>

114. СОЮЗ КОММУНИСТОВ ЛУГАНЩИНЫ

115. Игорь Гуменюк

116. [https://vk.com/souzk1?w=wall-101306048\\_4](https://vk.com/souzk1?w=wall-101306048_4)

۱۱۷. در یک جا ۱۲ مارس ذکر شده و در جای دیگری ۱۲ آوریل.

۱۱۸. Александр Андриянов، او در سومین دوره شورای خلق پس از انتخابات نوامبر ۲۰۱۸ در کمیته امور مستغلات و روابط ارضی، منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست در سمت معاون کمیته مشغول به کار بوده است. نام اعضای شورای خلق جنخل را در آدرس زیر می‌توان یافت:

<https://lug-info.com/news/deputaty-narodnogo-soveta-sozdali-parlamentskie-komitety-i-utverdili-ikh-sostav-40518>

119. <https://vpopovkpu.wixsite.com/kplnr/single-post/2016/03/14/>

<https://vpopovkpu.wixsite.com/kplnr/single-post/2016/03/14/%D1%81%D0%BE%D0%B7%D0%B4%D0%B0%D0%BD%D0%B8%D0%B5-%D0%BA%D0%BE%D0%BC%D0%BF%D0%B0%D1%80%D1%82%D0%B8%D0%B8-%D0%BB%D0%BD%D1%80-%D1%81%D1%82%D0%B0%D0%BB%D0%BE-%D0%BB%D0%BE%D0%B3%D0%B8%D1%87%D0%B5%D1%81%D0%BA%D0%B8%D0%BC-%D0%BF%D1%80%D0%BE%D0%B4%D0%BE%D0%BB%D0%B6%D0%B5%D0%BD%D0%B8%D0%B5%D0%BC-%D1%82%D0%BE%D0%B9-%D0%BA%D0%BE%D0%BB%D0%BE%D1%81%D1%81%D0%B0%D0%BB%D1%8C%D0%BD%D0%BE%D0%B9-%D1%80%D0%B0%D0%B1%D0%BE%D1%82%D1%8B-%D0%BA%D0%BE%D1%82%D0%BE%D1%80%D1%83%D1%8E-%D0%BF%D1%80%D0%BE>

حمایت نکردند.<sup>۱۲۰</sup> بیش از ۷۰۰ عضو سابق حزب کمونیست اوکراین و حدود ۲۰۰ عضو جدید به عضویت حزب کمونیست جنخل درآمدند. در مجموع، این حزب (که اتحادیه کمونیست‌های لوگانسک نیز بخشی از آن است) بیش از ۹۰۰ عضو دارد. در میان اعضای حزب، ۲۱ نماینده اولین دوره مجلس جنخل وجود دارد و خاریتونوف، اولین فرماندار خلق (که عضو حزب سما بود)، و سرهنگ ویکتور شیکاتونوف<sup>۱۲۱</sup>، فرمانده بخش لوگانسک در گارد ملی قزاق ارتش بزرگ دُن<sup>۱۲۲</sup> به حزب پیوستند.<sup>۱۲۳</sup> همچنین، در ژوئیه ۲۰۲۲، الکساندر ارمولنکو<sup>۱۲۴</sup>، یکی از نمایندگان شورای خلق جنخل، به حزب کمونیست جنخل پیوست.<sup>۱۲۵</sup> علاوه بر این، اولگ پوپوف<sup>۱۲۶</sup>، که دبیر کمیته مرکزی حزب است، عضو شورای خلق اول و سوم جنخل است.<sup>۱۲۷</sup> حزب کمونیست جنخل در انتخابات ۲۰۱۸ از پاسیچنیک حمایت کرد.<sup>۱۲۸</sup> این حزب به مانند حزب کمونیست جنخل با کمک حزب کمونیست فدراسیون روسیه تشکیل شده است و همچنین، به مانند حزب کمونیست جنخل، عضو اتحادیه احزاب کمونیست-حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی<sup>۱۲۹</sup> است.

۱۲۰. بنابراین، کمونیست‌های مذکور (که احتمالاً بخش زیادی‌شان از اعضای حزب کمونیست اوکراین بوده‌اند) به صورت فردی در جنبش حضور داشته‌اند، نه به شکل سازمان‌یافته. در آن زمان، حزب کمونیست جنخل وجود نداشت و فقط حزب کمونیست اوکراین بود، که مدافع جنبش نبود و رهبران منطقه‌ای آن اکثراً از جنبش دفاع نکردند.

121. Виктор Щекатунов

122. Казачья национальная гвардия Всевеликого войска Донского

123. <https://vpopovkpu.wixsite.com/kplnr/single-post/2016/10/04/%D0%B5%D0%B6%D0%B5%D0%B3%D0%BE%D0%B4%D0%BD%D1%8B%D0%B9-%D0%BF%D0%BE%D0%BB%D0%B8%D1%82%D0%B8%D1%87%D0%B5%D1%81%D0%BA%D0%B8%D0%B9-%D0%B4%D0%BE%D0%BA%D0%BB%D0%B0%D0%B4-%D1%86%D0%B5%D0%BD%D1%82%D1%80%D0%B0%D0%BB%D1%8C%D0%BD%D0%BE%D0%B3%D0%BE-%D0%BA%D0%BE%D0%BC%D0%B8%D1%82%D0%B5%D1%82%D0%B0-%D0%BA%D0%BE%D0%BC%D0%BC%D1%83%D0%BD%D0%B8%D1%81%D1%82%D0%B8%D1%87%D0%B5%D1%81%D0%BA%D0%BE%D0%B9-%D0%BF%D0%B0%D1%80%D1%82%D0%B8%D0%B8-%D0%BB%D0%BD%D1%80-%D0%B8-%D1%81%D0%BE%D1%8E%D0%B7%D0%B0-%D0%BA>

124. Александр Ермоленко

125. [https://vk.com/souzkl?w=wall-101306048\\_742](https://vk.com/souzkl?w=wall-101306048_742)

126. Олег Попов

۱۲۷. هم ارمولنکو و هم پوپوف از فهرست صلح برای منطقه لوگانسک وارد شورای خلق شدند:

[http://web.archive.org/web/20210909180540/https://nslnr.su/about/deputati/7310/;](http://web.archive.org/web/20210909180540/https://nslnr.su/about/deputati/7310/)

<https://vpopovkpu.wixsite.com/kplnr/single-post/2016/05/10/%D0%BA%D0%BE%D0%BC%D0%BC%D1%83%D0%BD%D0%B8%D1%81%D1%82%D1%8B-%D0%BB%D0%BD%D1%80-%D0%BE%D1%82%D0%BC%D0%B5%D1%82%D0%B8%D0%BB%D0%B8-71-%D1%8E-%D0%B3%D0%BE%D0%B4%D0%BE%D0%B2%D1%89%D0%B8%D0%BD%D1%83-%D0%BF%D0%BE%D0%B1%D0%B5%D0%B4%D1%8B>

128. [https://vk.com/wall-26362316\\_751262?lang=en](https://vk.com/wall-26362316_751262?lang=en)

129. Union of Communist Parties – Communist Party of the Soviet Union

باید اضافه کنیم که بر اساس گفته‌های الکساندر چریپانوف<sup>۱۳۰</sup>، از دبیران کمیته مرکزی و از اعضای شورای سیاسی حزب کارگران کمونیست روسیه-حکاش<sup>۱۳۱</sup>، علاوه بر حزب کمونیست جخد و حزب کمونیست جنخل، جبهه کارگران دنباس<sup>۱۳۲</sup> و سازمان کارگران کمونیست جنخل<sup>۱۳۳</sup> وجود دارند، اما هیچ رد پایی از آنها نیست و فقط نامشان را در زیر برخی بیانیه‌های مشترک می‌بینیم. فقط می‌دانیم که حزب کارگران کمونیست روسیه-حکاش آنها را تشکیل داده است و بر اساس کمک‌های این حزب به آنها بعید است بیش از ۱۰۰ نفر باشند.<sup>۱۳۴</sup> به هر حال، این دو گروه را (البته، اگر هنوز واقعاً وجود داشته باشند) نمی‌توان از نیروهای تأثیرگذار در عرصه سیاست دنباس قلمداد کرد.

#### د) نیروهای نظامی کمونیست در جمهوری‌ها

در عرصه نظامی، به گفته پاول گوبارف، در ژوئیه ۲۰۱۴، ارتش‌های جنخد و جنخل ۲۰ هزار جنگجو داشته‌اند.<sup>۱۳۵</sup> در سال ۲۰۱۵، دولت اوکراین مدعی شد که ۴۲ هزار و ۵۰۰ جنگجو در طرف دنباسی‌ها حضور دارند، که شامل ۹ هزار سرباز روسی نیز می‌شود.<sup>۱۳۶</sup> در اواخر ۲۰۱۷، یکی از وزرای دولت اوکراین اعلام کرد که ۵۰ هزار و ۳۰۰ جنگجو در طرف دنباسی‌ها وجود دارد، که ۳۵ هزار و ۵۰۰ نیروی نظامی در دونتسک و ۱۴ هزار و ۸۰۰ نفر در لوگانسک است.<sup>۱۳۷</sup>

گروه‌های نظامی تأثیرگذار در دنباس اکثراً ناسیونالیست و حتی راست افراطی‌اند و ناسیونال بلشویک‌ها نیز حضور پررنگی دارند. در میان گروه‌های نظامی در دنباس دو گروه معروف هست که در رسانه‌های چپ آنها را سوسیالیست یا کمونیست در نظر می‌گیرند. بنابراین، ما نیز به همین دو گروه می‌پردازیم: تیپ پریراک<sup>۱۳۸</sup> و گردان بتمن<sup>۱۳۹</sup>.

---

130. Aleksandr Cherepanov

131. Russian Communist Workers' Party of the Communist Party of the Soviet Union (RCWP-CPSU)

132. Workers' Front of Donbass

133. Communist workers' organization of the LPR

134. <https://www.lordinenuovo.it/2020/05/30/la-situazione-nel-donbass/>

135. <https://tass.com/world/739790>

136. <https://www.aljazeera.com/news/2022/2/4/ukraine-crisis-who-are-the-russia-backed-separatists>

137. <https://rian.com.ua/politics/20171128/1029852333/Avakov-nazval-chislennost-voysk-DNR-LNR-Donbass.html>

138. Prizrak Brigade

139. Batman Battalion

تیپ پریراک (که به معنی شیخ است) ابتدا نام نیروهای نظامی داوطلبِ مردمی منطقه لوگانسک<sup>۱۴۰</sup> را داشت، که الکسی موزگویی<sup>۱۴۱</sup> آن را رهبری می‌کرد.<sup>۱۴۲</sup> در تاریخچه پریراک چندین واحد نظامی هست که بخشی از این تیپ است. یکی از این واحدها یگان ۴۰۴ یا گروه داوطلبان کمونیست<sup>۱۴۳</sup> است. این گروه در ۲۵ اکتبر ۲۰۱۴ ایجاد شد و در ابتدا متشکل از ۱۸ نفر بود و مؤسسان آن کمونیست‌های روس‌اند. در اواخر مه ۲۰۱۵ این گروه حدوداً بین ۶۰ تا ۸۰ عضو داشت که در سراسر تیپ پراکنده بودند و البته، پیش‌تر، در طول جنگ دبالتسو (ابتدای سال ۲۰۱۵) بین ۱۱۰ تا ۱۲۰ نفر هم می‌شدند.<sup>۱۴۴</sup> این گروه دو فرمانده معروف دارد به نام‌های الکسی مارکوف<sup>۱۴۵</sup> (معروف به دوبری، که در ۲۰۲۰ کشته شد) و پیوتر بیروکوف<sup>۱۴۶</sup> (معروف به آرکادیچ) و از حزب کمونیست فدراسیون روسیه کمک بشردوستانه می‌گیرد.<sup>۱۴۷</sup> در پریراک واحد دیگری هست به نام اینتریونیت<sup>۱۴۸</sup>. این واحد یگان بین‌المللی‌ای بود که در سپتامبر ۲۰۱۵ تأسیس شد و در جنل برای سوسیالیسم می‌جنگید و فعالیت‌های نظامی خود را در ژانویه ۲۰۱۷ به حالت تعلیق درآورد. در مجموع، ۳۱ نفر از ایتالیا، فرانسه، فنلاند، امریکا، اسپانیا و سایر کشورها در اینتریونیت شرکت کردند و البته اکثرشان از اسپانیا بودند.<sup>۱۴۹</sup> اما در پریراک فقط یگان‌های سوسیالیست و کمونیست نبودند و واحدهای دست راستی و ناسیونالیست و نئوفاشیست هم بودند. محض نمونه، گروه یونیه کونینتتاله<sup>۱۵۰</sup> هم حضور داشت، که از طرفداران نظرات دوگین است.<sup>۱۵۱</sup> همچنین، ایمپریال لژیون<sup>۱۵۲</sup>، که سال ۲۰۱۴ در روسیه تشکیل شد و گرایش راست افراطی و ناسیونالیست دارد و وابسته به جنبش امپراتوری روسیه<sup>۱۵۳</sup> است، مدتی در تیپ پریراک فعالیت می‌کرد.<sup>۱۵۴</sup> افزون بر این، اتحاد ملی روسیه (گروه نئوفاشیستی‌ای که پیش‌تر در ارتباط با گوبارف به آن اشاره شد) در میان واحدهای داوطلب در تیپ پریراک فعالیت می‌کرده است.<sup>۱۵۵</sup> در مه ۲۰۱۵، اندکی قبل از ترور موزگویی، الکسی مارکوف، که معاون فرمانده تیپ پریراک بود، در پاسخ به سؤالی که از او می‌شود مبنی بر اینکه آیا از نظر ایدئولوژیک بین گروه داوطلبان کمونیست و فرمانده

140. Народное ополчение Луганщины

141. Aleksey Mozgovoy

142. <https://www.kp.ru/daily/26223/3106212/>

143. Добровольческого Коммунистического Отряда (ДКО)

144. <https://prometej.info/tovarish-dobryj/>; <https://vk.com/gruppadko>

145. Alexey Markov

146. Pyotr Biryukov

147. <https://web.archive.org/web/20150421032601/http://kcpn.info/>

148. Interunit

149. <https://ilmanifesto.it/nome-di-battaglia-nemo>

150. Unité Continentale

151. <http://web.archive.org/web/20170316041941/novorossia.today/two-more-volunteers-arrived-to-novorossiya-from-brazil/>; <https://www.ridus.ru/news/172856>

152. Imperial Legion

153. Russian Imperial Movement

154. [https://vk.com/wall-10533171?w=wall-10533171\\_3983%2Fall](https://vk.com/wall-10533171?w=wall-10533171_3983%2Fall); [https://vk.com/wall-10533171\\_3902%2Fall](https://vk.com/wall-10533171?w=wall-10533171_3902%2Fall); [https://vk.com/wall-10533171?offset=840&w=wall-10533171\\_204%2Fall](https://vk.com/wall-10533171?offset=840&w=wall-10533171_204%2Fall)

155. <http://novorossy.ru/articles/istoriya-armii-lnr>

تیپ، الکسی موزگویی، شباهت وجود دارد یا نه می‌گوید که شباهتی وجود ندارد و فرمانده موزگویی آشکارا خودش را سلطنت طلب می‌نامد. البته او بارها تکرار کرده که اگر به آزادی نووروسیا و ساختن کشوری در اینجا برای مردم کمک کند، آماده است که کمونیست باشد. مارکوف اشاره می‌کند که در همان ۱۸ نفر اولیه یگان او نیز افرادی از سازمان‌های سلطنتی بودند و همچنین اشاره می‌کند که برای عضویت در گروه داوطلبان کمونیست مؤلفه ایدئولوژیک چندان مهم نیست.<sup>۱۵۶</sup> علاوه بر اینها، تیپ پریراک در نهایت در نیروهای نظامی جنخل ادغام می‌شود. طبق فرمان رئیس جنخل، پلوتنیسکی، که در ۷ مارس ۲۰۱۵ امضا شد، کلیه سازمان‌های مسلحی که بخشی از میلیشیا<sup>۱۵۷</sup>ی خلق جنخل، یگان‌های دفاع سرزمینی و نهادهای انتظامی و قضایی نشوند و همه تسلیحات خود را داوطلبانه تسلیم نکنند از ۵ آوریل غیر قانونی می‌شوند و پس از این تاریخ، پیگرد قانونی می‌شود و خلع سلاح قهرآمیز رخ می‌دهد. به نظر می‌رسد بر همین اساس تیپ پریراک به فرماندهی موزگویی بخشی از میلیشیا ی خلق جنخل شد و اعلام شد که گردان چهارم دفاع سرزمینی جنخل بر پایه تیپ پریراک شکل گرفته است. این خبر را در ۲ آوریل لئونید تکاچنکو، رئیس شعبه بازپرسی دادستانی کل جنخل اعلام کرد.<sup>۱۵۸</sup> بنابراین، اعلام ادغام تیپ پریراک در میلیشیا ی خلق جنخل در زمان خود موزگویی اتفاق افتاد (موزگویی در ۲۳ مه ۲۰۱۵ ترور شد). می‌ماند اینکه این تیپ چه تعداد نیرو داشته است. پریراک، به گفته خود موزگویی، در اواخر اوت ۲۰۱۴، ۱۰۰۰ عضو داشته<sup>۱۵۹</sup> و به گفته مارکوف، پریراک، در اوت ۲۰۱۴، ۱۸۱۵ عضو داشته است.<sup>۱۶۰</sup>

156. <https://prometej.info/tovarish-dobryj/>

۱۵۷. милиция. این واژه در روسی معنی پلیس می‌دهد. این با militia در فرهنگ غربی (که معنی «شبه نظامی» می‌دهد) متفاوت است. استفاده از «میلیشیا» (militia) به جای «پلیس» (police) برای اشاره به نیروی پلیس سرچشمه‌اش برمی‌گردد به دوران شوروی: <https://en.wiktionary.org/wiki/militia>

در صفحه میلیشیا ی خلق جنخل نیز در قسمت معرفی می‌بینیم که نوشته‌اند: سازمان نظامی‌ای برای حفاظت و امنیت شهروندان جنخل.

<https://vk.com/millnr>

با وجود این، ترجیح دادیم در اینجا از «میلیشیا» استفاده کنیم، زیرا ترجمه «پلیس» هم توی ذوق می‌زد و هم اینکه به تمامی وافی به مقصود نبود. در توافق‌نامه مینسک در ذیل بند ۱۳ نوشته شده: ایجاد گروه‌های میلیشیا ی مردمی [که اینجا می‌شود «پلیس مردمی» ترجمه کرد] با تصمیم شوراها ی محلی به منظور حفظ نظم عمومی در محدوده معینی از مناطق دونتسک و لوگانسک. و بدین ترتیب، تا پیش از ۲۰۲۲، نیروهای نظامی در جمهوری‌ها ناچار بودند تحت این نام کار کنند و نه «ارتش» و مانند آن، اما می‌دانیم که وظایف آنها از حد پلیس بودن بسیار بیشتر بوده است:

<https://ria.ru/20150212/1047311428.html>

158. <https://lug-info.com/news/brigada-prizrak-voshla-v-sostav-narodnoi-militsii-lnr-genprokuratura-2402>

159. <https://www.mk.ru/politics/2014/08/28/komandir-luganskoy-brigady-prizrak-nikto-drugoy-strelkova-ne-zamenit.html>

160. <https://trueredrat.livejournal.com/18754.html?thread=662850#t662850>

گردان بتمن را (که به معنی خفاش است) الکساندر بدنوف<sup>۱۶۱</sup> فرماندهی می‌کرد. او در آغاز به نیروهای نظامی داوطلب مردمی منطقه لوگانسک، که در ابتدای مقاومت تشکیل شده بود و موزگویی پایه‌گذارش بود، پیوست و سپس به همراه دوستانش واحدی تأسیس کرد.<sup>۱۶۲</sup> در این گروه یگان کمونیستی (مانند آنچه در پریراک وجود دارد) یافت نمی‌شود. گردان بتمن با گروه روسیچ<sup>۱۶۳</sup>، که گروه دست راستی است و چنین مطرح است که از زیرمجموعه‌های گروه واگنر است، همکاری داشته است.<sup>۱۶۴</sup> در واقع، گروه روسیچ بخشی از گردان بتمن بوده است.<sup>۱۶۵</sup> علاوه بر این، خود بدنوف نیز جنگ دنباس را جنگ میان جهان غرب و جهان اسلاو می‌پندارد و این جنگ را تلاش برای نسل‌کشی و نابودی قومیت روسیه در نظر می‌گیرد.<sup>۱۶۶</sup> بنابراین، فهم او از جنگ بیشتر از اینکه به فهم کمونیست‌ها نزدیک باشد به فهم دوگین نزدیک است. گردان بتمن، پیش از ترور بدنوف به میلیشیای خلق جنخل پیوسته بود (او در ۱ ژانویه ۲۰۱۵ ترور شد) و همراه با گردان‌های دیگر، تیپ چهارم پیاده‌نظام موتوریزه میلیشیای خلق جنخل را ایجاد کرده بود<sup>۱۶۷</sup> و خود بدنوف رئیس ستاد تیپ بود.<sup>۱۶۸</sup> گردان بتمن در تابستان ۲۰۱۴ بیش از ۴۰۰ عضو داشت.<sup>۱۶۹</sup>

از شرح بیشتر درباره تیپ پریراک و گردان بتمن درمی‌گذریم و همین نیز کفایت امر را می‌کند.<sup>۱۷۰</sup> علاوه بر این، حزب کمونیست جنخل حضور نظامی در جبهه داشته است. لیتوینف در این باره می‌گوید:

فعال‌ترین افرادمان، بر اساس محاسبه من ۷۶ نفر، با سلاح در دست از حاکمیت جمهوری دفاع می‌کنند... ۷۶ نفر واقعاً سلاح به دست‌اند و از خرسون، خارکف، ملیتوپل، ماریوپل، در تمام اطراف دونتسک، راهی خط مقدم شده‌اند... یک بار سعی کردیم یگان کمونیستی تشکیل دهیم،

161. Alexander Bednov

162. [https://vk.com/strelkov\\_info?w=wall-57424472\\_28624](https://vk.com/strelkov_info?w=wall-57424472_28624)

163. Русич

164. [https://vk.com/strelkov\\_info?w=wall-57424472\\_18686](https://vk.com/strelkov_info?w=wall-57424472_18686)

165. [https://vk.com/strelkov\\_info?w=wall-57424472\\_21577](https://vk.com/strelkov_info?w=wall-57424472_21577); [https://vk.com/gbr\\_bat\\_lnr?w=wall-73367195\\_354](https://vk.com/gbr_bat_lnr?w=wall-73367195_354)

166. [https://vk.com/strelkov\\_info?w=wall-57424472\\_35486](https://vk.com/strelkov_info?w=wall-57424472_35486)

۱۶۷. تیپ چهارم بر مبنای گردان بتمن همراه با گردان لشی (Leshiy Battalion) به فرماندهی الکسی پاولوف (Aleksey Pavlov)، که در اکتبر ۲۰۱۴ حدود ۸۰۰ عضو داشت، و گردان‌های دیگر تشکیل شد:

[https://vk.com/strelkov\\_info?w=wall-57424472\\_34199](https://vk.com/strelkov_info?w=wall-57424472_34199); <https://rusvesna.su/news/1413015517>

168. <https://lug-info.com/news/glava-pravitel-stva-respubliki-torzestvenno-vrucil-boevye-znana-cetvertoj-motostrelkovoij-brigade-narodnoj-milicii-lnr>; <https://voicesevas.ru/news/5316-boevye-listki-gruppy-bystrogo-reagirovaniya-betmen.html>

169. Mark Galeotti, *Armies of Russia's War in Ukraine*, Oxford: Osprey Publishing, 2019, P. 29.

۱۷۰. نام دیگری در میان گروه‌های نظامی هست که از روی اسمش ممکن است گمان رود کمونیست است: ایتربریگادز (Interbrigades). این واحد نظامی ناسیونال بلشویک است و از زیرمجموعه‌های گردان زاریاست:

<https://archive.ph/20141112210231/http://interbrigada.org/nacoly-otbili-ataku-karatelej/#selection-245.0-316.0>;  
<https://archive.ph/6XS6b>

اما انجام این کار دشوار بود، چون هر کس تخصص نظامی خود را دارد، که در طول خدمت به ارتش کسب کرده است. و بخش‌های مختلف متخصصان مختلفی نیاز دارد. بنابراین، هیچ راهی برای جمع کردن همه وجود ندارد.<sup>۱۷۱</sup>

## ه) کمونیست‌ها و رهبری مقاومت

نیروی سیاسی کمونیستی‌ای که در عرصه سیاست در دنباس ممکن است حضور فعال و مؤثر داشته باشد همان حزب کمونیست جخد و حزب کمونیست جخل است و مقایسه میزان اعضای آنها (۱۰۰۰ و ۹۰۰ نفر) با نیروهای سیاسی دیگر (۱۰۷ هزار، ۲۵ هزار و ۲۳۵ هزار نفر) گویای این است که کمونیست‌های متشکل از نظر تعداد در عرصه سیاسی دنباس اصلاً چشمگیر نیستند. همچنین، در عرصه نظامی، دیدیم که در پریراک و بتمن، واحدهای نظامی دست راستی فعالیت دارند و این دو گروه در نهایت در میلشیاوی جمهوری ادغام شدند. اگر اعضای پریراک را بین ۱۰۰۰ تا ۱۸۱۵ و اعضای بتمن را ۴۰۰ در نظر بگیریم و همچنین جنگجویان حزب کمونیست جخد را که ۷۶ نفر جدا از یکدیگرند در نظر بگیریم و مقایسه کنیم با میزان نیروهای نظامی جمهوری‌ها که از ۲۰ هزار تا ۵۰ هزار (از ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷) بوده است به ناچیز بودن تعداد کمونیست‌ها و همچنین قلیل بودن حضور متشکل آنها در عرصه نظامی نیز پی می‌بریم. و البته با واقعی در نظر گرفتن نیروهای نظامی کمونیست، یعنی در نظر گرفتن دست بالا ۱۲۰ عضو گروه داوطلبان کمونیست (که تازه معلوم نیست چه تعدادشان کمونیست‌اند) و دست بالا ۳۱ نفر در اینترپونیت (که دیگر وجود ندارد) و ۷۶ عضو حزب کمونیست جخد، می‌رسیم به ۲۲۷ نفر کمونیست در مقابل ۲۰ الی ۵۰ هزار نیروی نظامی.

مارکوف می‌گوید، «اکنون در آموزش نظامی در مقام اولیم. از نظر نظامی، ما در یکی از بالاترین سطوح جخل هستیم. و وظیفه، مانند هر واحد نظامی، به صورت صحیح و بدون تلفات پیروی کردن از دستورهای فرماندهی بالاتر است.» منظور او از دستورهای فرماندهی بالاتر احتمالاً دستورهای فرماندهان نظامی جخل است. از او سؤال می‌شود (اوت ۲۰۱۹) که «آیا تعاملی با سازمان‌های کمونیستی در جخل دارید؟» و او پاسخ می‌دهد:

در جخل، نه واقعاً. پیش از این، ما اغلب با کمونیست‌های لوگانسک گفت‌وگو می‌کردیم و آنها اغلب به ما مراجعه می‌کردند و من به دیدارشان می‌رفتم. اما اکنون قضیه این طور است که من به‌ندرت می‌توانم از مواضعمان دور شوم، از کیرووسک... توضیح دیگری هم هست: تا جایی که به یاد دارم، کمونیست‌های لوگانسک نتوانسته‌اند حزب و سازمان خود را رسماً ثبت کنند،

171. <http://wpered.su/2022/05/17/boris-litvinov-kprf-okazyvaet-donbassu-neocenimuyu-pomoshh/>



بنابراین آنها بیشتر به صورت داوطلبانه کار می‌کنند. ما روابط بسیار خوب و نزدیکی با حزب کمونیست فدراسیون روسیه داریم. شخصاً، گنادی آندریویچ [زیوگانوف]، بارها و بارها و بسیار چشمگیر به ما کمک کرده است، کازبک تاپسایوف به ما کمک می‌کند، رودین به ما کمک می‌کند... با توجه به اینکه بیشتر ستاد فرماندهی [ما] در نبرد خودشان کمونیست‌اند، از جمله خودم، ما با کمونیست‌ها روابط خوبی داشته‌ایم.<sup>۱۷۲</sup>

در نتیجه، حتی میان حزب کمونیست جنخل و تیپ پریراک (و مشخصاً گروه داوطلبان کمونیست) نیز ارتباط تنگاتنگی برقرار نیست.  
بیریوکوف نیز معتقد است:

جنگ ادامه سیاست‌ها به وسیله دیگر است. ما می‌دانیم که برای چه می‌جنگیم. نمی‌توانیم کشته‌شدگان اودسا را فراموش کنیم. ما در حال حاضر [در جمهوری‌ها] وارد سیاست نمی‌شویم، زیرا وضعیت پیچیده است. اما ما ایدئولوژی و خط سیاسی خود را داریم.<sup>۱۷۳</sup>

می‌بینیم که همین میزان قلیل نیروهای نظامی کمونیست هم در سیاست وارد نمی‌شوند. اکنون باید ببینیم که این نیروهای کمونیستی که برشمرديم آیا به صورت متشکل رهبری اعتراضات را بر عهده داشته‌اند یا نه. می‌دانیم که حزب کمونیست اوکراین از مقاومت دنباس دفاع نکرد و با آغاز مقاومت کمیته منطقه‌ای این حزب در دونتسک و لوگانسک از هم پاشیده بود. آن کمونیست‌هایی هم که پیش‌تر وصفشان رفت به صورت فردی فعالیت می‌کردند، نه سازمان‌یافته. در این باره، رتینسکی می‌گوید: «درباره آگاهی طبقاتی، فقط از بیرون می‌شود آن را وارد کرد و مجری آن حزب سیاسی است. چنین سازمانی در سال ۲۰۱۴ در دنباس وجود نداشت.»<sup>۱۷۴</sup> نه تنها سازمان کمونیستی‌ای که توان هدایت توده‌ها را در اعتراضات ۲۰۱۴ در دنباس داشته باشد وجود نداشت، بلکه «کارگران صنعتی دنباس، به رغم تعداد زیادشان، روحیه ضد الیگارشان و سنت‌های مبارزه‌جویانه‌شان، نمایندگی کمی در میان کادرهای رهبری جنبش شورشی داشتند.»<sup>۱۷۵</sup> بنابراین، واضح است که از همان ابتدای مقاومت کمونیست‌ها راهبر اعتراضات نبودند و رهبری اعتراضات نیز پیوند چندانی با پرولتاریای دنباس نداشت.

172. <https://prometej.info/interview-ghost-battalion-commander-alexey-markov/>

173. <https://www.workers.org/2016/05/25568/>

174. <http://wpered.su/2017/11/01/donbass-and-the-class-approach/>

175. Renfrey Clarke, "The Donbass in 2014: Ultra-Right Threats, Working-Class Revolt, and Russian Policy Responses," *International Critical Thought*, Vol. 6, ISS. 4 (December 2016), P. 541.

از فرمانده مارکوف پرسیده می‌شود که اکنون (سال ۲۰۱۹) مبارزه طبقاتی در جنخل چگونه است و او پاسخ

می‌دهد:

روی هم‌رفته، الیگارش‌ها در اوکراین، در روسیه و در جنخل یکسان‌اند. و برای الیگارش‌ها همیشه راحت‌تر است که بین خودشان توافق کنند تا اینکه به کارگران و زحمت‌کشان امتیازی بدهند. تعداد زیادی از بنگاه‌های صنعتی بزرگ در طول جنگ یا تولیدشان متوقف شد یا نابود شدند. مردم بیشتر از طریق مقرری گذران می‌کنند، برخی از طریق تجارت در مقیاس کوچک و دیگران برای کسب درآمد به روسیه می‌روند. جنبش کارگری قدرتمندی وجود ندارد و، متأسفانه، نیرویی هم نیست که این جنبش را سازمان‌دهی کند، رهبری کند، و اهداف و وظایفی را تعیین کند و به آنها دست پیدا کند. در اینجا مردم فقط زنده می‌مانند و در چنین وضعیتی، قاعدتاً، مجالی برای صحبت درباره آینده روشن وجود ندارد. وقتی شما در عصر تاریکی کنونی زندگی می‌کنید، وظیفه‌تان این است که تا فردا زنده بمانید، تا غذایی چیزی به فرزندانتان بدهید. آنها دیگر آمادگی سازمان‌دهی تجمعات یا اعتصابات را ندارند. من نگرانم که تا زمانی که اوضاع اینجا سامان پیدا کند، امکان ایجاد جنبش قدرتمند کارگری وجود نداشته باشد.<sup>۱۷۶</sup>

#### و) تأثیرگذاری کمونیست‌ها در جمهوری‌ها

با توجه به آنچه در بالا آمد، آیا می‌توان همه یا اکثر نیروهای سیاسی و نظامی دنباس را کمونیست نامید؟ قطعاً نه. اما آیا ما کمونیست‌ها برای دفاع از آنها به این نام‌گذاری نیاز داریم؟ قطعاً نه. محض نمونه، در کتاب سوریه و رئال‌پلیتیک کمونیستی، به روشنی نشان داده شده که موضع دفاع از اسد در سوریه نه به سبب این است که از نیروهای سوریه، روسیه و ایران کوچک‌ترین انتظاری داریم برای برآوردن سوسیالیسم یا حتی کوچک‌ترین امیدی داریم برای اینکه قدمی در راه سوسیالیسم به طور خودآگاه یا ناخودآگاه بردارند، بلکه به سبب تقویت افول هژمونی امریکاست، که خود می‌تواند امکان اعتلای مبارزه طبقاتی را تقویت کند، و ما کمونیست‌ها می‌توانیم با سازمان‌دهی طبقه کارگر آن امکان را بالفعل کنیم، وگرنه در سطح همان امکان باقی می‌ماند. امروز نیز به سبب کمونیست بودن یک سوئه نزع نیست که از پیروزی مقاومت دنباس و شکست نتوفاشیست‌ها در اوکراین

176. <https://prometej.info/interview-ghost-battalion-commander-alexey-markov/>

دفاع می‌کنیم. مختصر تاریخچهٔ بالا نشان می‌دهد که پرچم‌های سرخ بعضاً به‌هتزاز درآمدهٔ دنباس دلیلی بر آن نیست که این نزاع را می‌توان نزاع کمونیسم و فاشیسم تعبیر کرد و چنین تعبیری تا چه حد خلاف واقع است. در ادامه، برخی از مواضع کمونیست‌های روسیه را نیز می‌نگریم تا بررسی‌مان را کامل کنیم. از مقاله‌ای از حزب مائوئیست روسیه<sup>۱۷۷</sup> می‌بینیم که این حزب، که مدعی ارتباط با مبارزان دنباس است، از سوسیالیسم — چه رسد به کمونیسم — در دنباس دفاع نمی‌کند، بلکه از موقعیتی که برای رشد جنبش سوسیالیستی مهیا می‌شود دفاع می‌کند.

اهداف عملیات ویژهٔ نظامی نیز آشکارا و به‌وضوح اعلام شده است:<sup>۱۷۸</sup> «حفاظت از غیر نظامیان در دنباس، اطمینان از اینکه کیف جنخ و جنخل و همچنین حاکمیت روسیه بر کریمه را به رسمیت بشناسد، غیر نظامی کردن اوکراین و نازی‌زدایی از آن، و تضمین وضعیت بی‌طرفی و عاری شدن از سلاح هسته‌ای آن.»

حالا بگویید کدام یک از این اهداف ناعادلانه یا ارتجاعی است.

البته، اگر اوکراین با یکدندگی از اجابت این خواسته‌های عادلانه امتناع کند، کاملاً در هم کوبیده خواهد شد و آنگاه بورژوازی روسیه در افزودن خواسته‌های ناعادلانه و غارتگرانه فراتر از آن کوتاهی نخواهد کرد. این همان چیزی است که رژیم فاشیستی و نظامی کیف اکنون کشور خود را به سمت آن سوق می‌دهد. اصرار او در دست زدن به جنگی ناعادلانه خیانت ملی واقعی است! همهٔ نیروهای مترقی باید اصرار کنند که رژیم زلنسکی فوراً با شرایط عادلانه موافقت کند و صلح را برقرار کند.

پیامدهای موفقیت عملیات ویژهٔ نظامی چه خواهد بود؟ البته، پیشروی فوری به سوی سوسیالیسم یا استقرار نوعی رژیم «خلقی» ممکن نیست. آن افراد ساده‌اندیشی که با آب‌وتاب امپریالیسم روسیه و سرمایه‌داری جنخ و جنخل را افشا می‌کنند آنچه عیان است بیان می‌کنند. مسئله اینجا چیز کاملاً متفاوتی است. البته، سرمایه‌داران روسیه به دنبال سودجویی‌اند، اما اکنون منافع آنها موقتاً بر منافع عاجل پرولتاریا و مردم منطبق شده است. اولاً، ستم ملی در منطقه به میزان چشمگیری کاهش خواهد یافت. ثانیاً، رژیم فاشیست و نئوباندریست (استپان باندرا رهبر نازی اوکراین بود، که رژیم جدید اوکراین از او تجلیل کرد) سقوط خواهد کرد. ثالثاً، گسترش

177. Russian Maoist Party

178. <http://en.kremlin.ru/events/president/news/67885>

ناتو متوقف می‌شود و تا حدی پس رانده خواهد شد. همه این تغییرات برای امنیت و صلح در منطقه و همچنین برای رشد جنبش سوسیالیستی مثبت خواهد بود.<sup>۱۷۹</sup>

در انتها می‌افزایند: «اما بالاخره، وقتی تبهکار به شما حمله می‌کند، به پلیس بورژوازی زنگ می‌زنید و آرام منتظر انقلاب سوسیالیستی نمی‌نشینید، این طور نیست؟ کفایت داشته باشید و از دیالکتیک مارکسیستی بهره بگیرید، لطفاً!»<sup>۱۸۰</sup>

دیدیم که نیروهای بورژوازی در دنباس دست بالا را دارند، کمونیست‌ها نه از نظر عده و نه از نظر نفوذ سیاسی و نظامی به هیچ وجه تعیین‌کننده نیستند و در یک کلام توازن طبقاتی قوا کاملاً به نفع بورژوازی است، در نتیجه دفاع از آنچه در دنباس است با نام دفاع از کمونیسم در دنباس به معنای اریب کردن خطوط سیاسی بلشویکی به سمت ناسیونال بلشویسم خواهد بود. به عبارت دیگر، هر نوع تحلیلی از مسئله شرق اوکراین که جمهوری‌های دنباس را به مثابه کلیت یکپارچه سیاسی در نظر بگیرد یا به توازن واقعی نیروهای طبقاتی در درون این جمهوری‌ها بی‌اعتنا باشد دست آخر از تحلیل بورژوازی فراتر نرفته است.

در مقاله دیگری می‌خوانیم که الکساندر چرپیانوف، از دبیران کمیته مرکزی و از اعضای شورای سیاسی حزب کارگران کمونیست روسیه-حکاش و همچنین رئیس کارگروه کمیته مرکزی این حزب برای همکاری با کمونیست‌های دنباس، مدعی است که «از منظر طبقاتی اساس جنبش، در درجه اول، طبقه کارگر دنباس بود». اما زمانی که گرایش‌های موجود در آن را برمی‌شمارد می‌گوید:

مقاومت مردمی در دنباس از ابتدا خصلت ضد نازی داشت و متفاوت‌ترین افراد و گرایش‌های ایدئولوژیک (کمونیست‌ها، میهن‌پرستان و سلطنت‌طلبان روس، قزاق‌ها، مدافعان کلیسای ارتدکس، داوطلبان انترناسیونالیست نیز از ایتالیا و غیره) در آن شرکت کردند، اما از منظر طبقاتی اساس جنبش، در درجه اول، طبقه کارگر دنباس بود.<sup>۱۸۱</sup>

اینجا نیز البته نه به دقت ولی زمانی که از نزاع آنجا یاد می‌شود به نیروهای «ضد نازی» اشاره می‌شود، که کمونیست‌ها بخشی از آن‌اند. اگر باز هم با نظر به تاریخچه گفته شده درباره ناسیونال بلشویسم به موضوع نگاه کنیم، این ادعای چرپیانوف که «مقاومت میلیشیای دنباس، از نظر ترکیب اجتماعی، قطعاً ماهیت پرولتری دارد»<sup>۱۸۲</sup> چندان تعیین‌کننده نخواهد بود، چرا که مطابقتی با گرایش‌های ایدئولوژیک موجود و غالب در این مقاومت مردمی

۱۷۹. تأکید از ماست.

180. <http://maoism.ru/en/21071>

181. <https://www.lordinenuovo.it/2020/05/30/la-situazione-nel-donbass/>

182. <https://www.lordinenuovo.it/2020/05/30/la-situazione-nel-donbass/>

ندارد.<sup>۱۸۳</sup> چه بسا که اگر طبقه کارگر پشت گوبارف برای احیای روسیه صف ببندد و حتی پرچم شوروی را هم در دست بگیرد، کمونیسم به پیش نخواهد رفت. حتی اگر بپذیریم که این می‌تواند بستر مناسبی را برای پیشروی کمونیسم مهیا کند، خود آن را به کمونیسم منتسب کردن خطای فاحش است.

ما از کمیت نیروهای کمونیست در سطح سیاسی و نظامی صحبت کردیم. باید بر این نیز تأکید کنیم که نفوذ نیروهای کمونیست در سیاست جمهوری‌ها، فارغ از تعدادشان، اندک است. در درون خود جمهوری‌های دنباس مناصب کلیدی را در حال حاضر طرفداران پیوستن به روسیه اشغال کرده‌اند و قوانین جمهوری‌ها سوسیالیستی نیست.<sup>۱۸۴</sup> هرچند این بدین معنی نیست که به‌ویژه درون میلشیا—کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها اصلاً تأثیرگذار نبوده‌اند. این را می‌توان با استناد به مواقعی گفت که نزاع نظامی در همان اوایل مقاومت بالا می‌گرفت و توده‌های میلشیا تأثیر بیشتری در سیاست‌گذاری جمهوری‌ها می‌گذاشتند. مثلاً، در اوت ۲۰۱۴، برخی از توده‌های میلشیا نامه‌ای در دونتسک منتشر کردند و خواستار برچیدن بساط الیگارشی‌ها شدند.<sup>۱۸۵</sup> این واقعه بعد از آن است که اطرافیان آخمتوف (میلیاردر اوکراینی‌ای که در دونتسک به دنیا آمده است) از دستگاه دولتی دونتسک تصفیه شدند. همچنین در لوگانسک، که چپ‌ها و سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها پیرامون موزگووی جمع شده بودند، می‌توانند با فشار خود نمادهای شوروی را در نشان دولتی جنخل جای دهند.<sup>۱۸۶</sup>

---

۱۸۳. پیش‌تر در سوریه و رئال‌پلیتیک کمونیستی نشان داده شد که ترکیب اجتماعی نیروهای موجود در دو سوی جنگ‌های بازبایی هژمونی خصلت اساسی جنگ را نمی‌سازد. مثلاً، در سوریه، اینکه مخالفان مسلح بشار اسد تا چه حد از افسار فرودست و کارگران نیروگیری کرده‌اند تعیین‌کننده خصلت اساسی این نیروها نیست. اگر این را تعیین‌کننده خصلت اساسی این نیروها در نظر بگیریم و پیش‌تر به این نتیجه رسیده باشیم که در میان مخالفان مسلح بشار اسد افسار فرودست و کارگران دست بالا را در ترکیب اجتماعی نیروها دارند، آن وقت است که به این گمراهی دچار می‌شویم که خصلت جنگ را نیز پرولتری در نظر بگیریم و جنگ بازبایی هژمونی امریکا در سوریه را جنگ طبقاتی بین‌گاریم و صحبت از انقلاب شکست‌خورده سوریه کنیم.

۱۸۴. اگر به قانون اساسی جنخل نگاه کنید، تفاوت چشمگیری با قانون اساسی کشورهای غربی ندارد و مبنای آن دموکراسی و انتخابات و مانند اینهاست. از نظر مالکیت نیز در ماده ۵ (قانون اساسی مه سال ۲۰۱۴، که شورای عالی، به ریاست پوشیلین، تصویب کرده است) بند ۱ چنین آمده است: «مالکیت خصوصی، دولتی، شهرداری [муниципальная] و سایر اشکال در جنخل به رسمیت شناخته می‌شود و به یک اندازه از آن محافظت می‌گردد.» بنابراین، منعی برای مالکیت خصوصی در این بند نمی‌بینیم. در ماده ۲۸ بند ۱ می‌بینیم: «از حق مالکیت خصوصی طبق قانون حراست می‌شود.» و در بند ۴ بر تضمین شدن حق ارث اشاره می‌شود. همین‌ها را در ماده ۵ بند ۱، و ماده ۲۸ بند ۱ و ۴ در قانون اساسی موقت جنخل (دسامبر ۲۰۱۴) می‌توان دید.

<http://doc.dnronline.su/konstituciya-dnr/>; <https://lug-info.com/documents/vremennyi-osnovnoi-zakon-konstitutsiya-luganskoi-narodnoi-respubliki-12>

185. Renfrey Clarke, *ibid*, PP. 547-548.

186. <https://acta.zone/les-communistes-et-le-donbass/>

←

اهتزاز پرچم‌های سرخ در دنباس قند در دل برخی نیروهای چپ آب کرده است و یکی از دلایل برای این تصور شده که در شرق اوکراین نیروهای کمونیست یک طرفِ صحنهٔ نبردند. پرچم سرخی که همراه با داس و چکش و اعداد و نوشته‌هایی روی آن است پرچمی است با نام «پرچم پیروزی»<sup>۱۸۷</sup>. این پرچم را سربازان ارتش سرخ در ۱ مهٔ ۱۹۴۵ و یک روز پس از خودکشی هیتلر برافراشتند. این پرچم نماد رسمی پیروزی اتحاد جماهیر شوروی بر آلمان نازی در طول جنگ جهانی دوم است و از گنجینه‌های ملی روسیه محسوب می‌شود. طبق قانون فدراسیون روسیه، پرچم پیروزی باید برای همیشه در مکانی که امنیت آن و در دسترس بودن آن برای عموم فراهم باشد ذخیره شود.

بنابراین، استفاده از پرچم پیروزی یا نمادهای شوروی به این معنی نیست که به‌کاربرندگان آن کمونیست‌اند. مثلاً، دمیتری پسکوف، سخن‌گوی دولت روسیه، اعلام کرد که کرملین از این موضوع آگاه است که ارتش روسیه در عملیات نظامی ویژه در اوکراین از نمادهای شوروی از جمله پرچم اتحاد جماهیر شوروی استفاده می‌کند. او اعلام کرد که در کشور ما، بدون استثنا برای همهٔ نسل‌ها، پرچم پیروزی امر مقدسی است. این برای بسیاری از نسل‌ها در بسیاری از کشورها صدق می‌کند.<sup>۱۸۸</sup> همچنین، می‌دانیم که در اصلاحات قانون اساسی روسیه در ژوئیهٔ ۲۰۲۰ این اختیار به فدراسیون روسیه داده شده که از پرچم اتحاد جماهیر شوروی استفاده کند و حزب کمونیست فدراسیون روسیه در سال ۲۰۲۲ در دوما پیشنهاد تغییر پرچم فدراسیون روسیه به پرچم شوروی را مطرح می‌کند.<sup>۱۸۹</sup> پر واضح است که در صورتی که فدراسیون روسیه از پرچم شوروی استفاده کند بدین معنا نیست که آن کشور کمونیستی شده است. کمونیستی شدن یا به سوی کمونیسم رفتن هر کشور را بر اساس سیاست‌های اجرایی آن و نیروهای سیاسی و طبقاتی آن می‌توان تعیین کرد.

---

نشان دولتی جنخل دارای ستارهٔ سرخ پنج‌پر و خوشه‌های گندم در اطراف است و از این لحاظ با نشان دولتی اتحاد جماهیر شوروی شباهت دارد و البته، با نشان دولتی جنخل بسیار متفاوت است، که در آن عقاب دوسر (نماد امپراتوری روسیه) و میکائیل مقدس (فرشتهٔ مقرب) با صلیب ارتدکس بر سپرش حضور دارند:

<https://lug-info.com/documents/zakon-o-gosudarstvennom-gerbe-luganskoj-narodnoj-respubliki>;

[https://en.wikipedia.org/wiki/State\\_Emblem\\_of\\_the\\_Soviet\\_Union](https://en.wikipedia.org/wiki/State_Emblem_of_the_Soviet_Union); [http://archive2016-](http://archive2016-2018.dnronline.su/gosudarstvennye-nagrody-doneckoj-narodnoj-respubliki/)

[2018.dnronline.su/gosudarstvennye-nagrody-doneckoj-narodnoj-respubliki/](http://archive2016-2018.dnronline.su/gosudarstvennye-nagrody-doneckoj-narodnoj-respubliki/)

187. Victory Banner (Soviet Union)

188. <https://www.gazeta.ru/army/news/2022/04/18/17587364.shtml?updated>

189. [https://sozd.duma.gov.ru/bill/109189-8#bh\\_note](https://sozd.duma.gov.ru/bill/109189-8#bh_note);

<https://www.gazeta.ru/politics/news/2022/04/19/17595038.shtml?updated>

در جخل، درباره استفاده رسمی از پرچم پیروزی در روز پیروزی قانون تصویب شده است و روز پیروزی در آن جمهوری تعطیل رسمی است.<sup>۱۹۰</sup> در جحد نیز، مشابه همین قوانین را می‌بینیم و تمام ۹۶ نماینده حاضر در پارلمان به قانون پرچم پیروزی رأی دادند.<sup>۱۹۱</sup> آن طور که چرپانوف می‌گوید:

در صفوف میلشیا، به‌ویژه در مرحله سازمان‌دهی خود و در اوج دوره خصومت‌ها، تمایل به شوروی رواج چشمگیری داشت. پرچم‌های سرخ شوروی به نماد مبارزه تبدیل شد بدون اینکه بیزاری نه قزاق‌ها، نه سلطنت‌طلبان ارتدکس و نه دیگران را برانگیزد.<sup>۱۹۲</sup>

محض نمونه، کامیون نظامی گردان وستوک پرچم پیروزی را در روز پیروزی حمل می‌کند.<sup>۱۹۳</sup> یا یکی از اعضای گردان اسپارتا را با نشان جنگ میهنی از دوران شوروی بر سینه‌اش در روز پیروزی در کنار پرچم پیروزی می‌بینیم که شوقمند ایستاده است.<sup>۱۹۴</sup> تأثیرگذاری نیروهای سوسیالیست و کمونیست را تا اوت ۲۰۱۴ بررسی کردیم. اما دقیقاً بعد از ماه اوت و بعد از اینکه حمله دولت کیف به شرق ناکام ماند و وضعیت نظامی را به سمت افول درگیری‌ها برد، هرچه طرفداران روسیه بیشتر در دستگاه دولتی جان‌نشین شدند، کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها بیشتر از دستگاه دولتی کنار گذاشته شدند و حتی به سبب اینکه آخمتوف مهره مناسبی برای چانه‌زنی با کیف بود به او نیز روی خوش نشان داده شد.<sup>۱۹۵</sup>

پس از قرارداد مینسک ۲ و ترور و کنار گذاشتن رهبران نظامی مقاومت — که معروف بودند که گردان‌هایشان گرایش سوسیالیستی دارند (مانند موزگووی و بدنوف) یا حتی ناسیونال بلشویک تندرو هستند (مانند ایگور گیرکین<sup>۱۹۶</sup> معروف به استرلکوف، که طرفدار برقراری روسیه بزرگ است، و پاول دریوموف<sup>۱۹۷</sup> فرمانده محبوب قزاق) — تا اوج‌گیری درگیری‌های نظامی و به رسمیت شناختن دیر هنگام جمهوری‌ها و اعلام عملیات نظامی ویژه

190. <https://storage.lug-info.com/6/4/21977244-ab1a-4ff6-b6c6-8da6499cbd79.pdf>; <https://storage.lug-info.com/9/3/567ee4a7-0df7-4f67-8952-16244276852e.pdf>

191. <https://www.pnp.ru/in-world/parlament-dnr-prinyal-zakon-o-znameni-pobedy.html>

192. <https://www.lordinenuovo.it/2020/05/30/la-situazione-nel-donbass/>

193. [https://commons.wikimedia.org/wiki/File:2014-05-](https://commons.wikimedia.org/wiki/File:2014-05-09_%D0%94%D0%B5%D0%BD%D1%8C_%D0%9F%D0%BE%D0%B1%D0%B5%D0%B4%D1%8B_%D0%B2_%D0%94%D0%BE%D0%BD%D0%B5%D1%86%D0%BA%D0%B5_344.jpg?uselang=ru)

[09. %D0%94%D0%B5%D0%BD%D1%8C %D0%9F%D0%BE%D0%B1%D0%B5%D0%B4%D1%8B %D0%B2 %D0%94%D0%BE%D0%BD%D0%B5%D1%86%D0%BA%D0%B5\\_344.jpg?uselang=ru](https://commons.wikimedia.org/wiki/File:2014-05-09_%D0%94%D0%B5%D0%BD%D1%8C_%D0%9F%D0%BE%D0%B1%D0%B5%D0%B4%D1%8B_%D0%B2_%D0%94%D0%BE%D0%BD%D0%B5%D1%86%D0%BA%D0%B5_344.jpg?uselang=ru)

194. [https://commons.wikimedia.org/wiki/File:2016-05-](https://commons.wikimedia.org/wiki/File:2016-05-09_%D0%94%D0%B5%D0%BD%D1%8C_%D0%9F%D0%BE%D0%B1%D0%B5%D0%B4%D1%8B_%D0%B2_%D0%94%D0%BE%D0%BD%D0%B5%D1%86%D0%BA%D0%B5_216.jpg?uselang=ru)

[09. %D0%94%D0%B5%D0%BD%D1%8C %D0%9F%D0%BE%D0%B1%D0%B5%D0%B4%D1%8B %D0%B2 %D0%94%D0%BE%D0%BD%D0%B5%D1%86%D0%BA%D0%B5\\_216.jpg?uselang=ru](https://commons.wikimedia.org/wiki/File:2016-05-09_%D0%94%D0%B5%D0%BD%D1%8C_%D0%9F%D0%BE%D0%B1%D0%B5%D0%B4%D1%8B_%D0%B2_%D0%94%D0%BE%D0%BD%D0%B5%D1%86%D0%BA%D0%B5_216.jpg?uselang=ru)

195. <https://acta.zone/les-communistes-et-le-donbass/>

196. Igor Girkin

197. Павел Дрёмов

از جانب روسیه جمهوری‌های دنباس هیچ بروز کمونیستی و سوسیالیستی نداشتند. اما با اوج‌گیری درگیری‌ها همان طور که پس از آغاز عملیات نظامی ویژه روسیه می‌بینیم مجدداً نیروهایی که در حاشیه قرار گرفته بودند می‌توانند نقش پررنگ‌تری ایفا کنند. گرچه، این بار نیروهای کمونیستی از آغاز درگیری‌ها در ۲۰۱۴ اوضاع بهتری ندارند. مثلاً، بورتوبا، که حامی جمهوری‌ها بود و اعضایش پس از ممنوعیت به جمهوری‌ها و کریمه آمدند، دچار فروپاشی تقریبی شد<sup>۱۹۸</sup> و می‌دانیم که اینتریونیت هم منحل شد و کمونیست‌های بانفوذ هم در این مدت کشته شده‌اند، مانند فرمانده مارکوف.

### ز) نقطه آغاز جنگ و جنگ بازیابی هژمونی

بگذارید ابتدا به تحلیل و مواضع گروه بورتوبا پردازیم. بورتوبا به درستی بر نقطه آغاز تأکید می‌کند. می‌خواهیم بگوییم که فهم درست از نقطه آغاز جنگ می‌تواند به فهم درست از نقطه کانونی جنگ نیز کمک کند. هیچ تحلیل کمونیستی نمی‌تواند آغاز شود مگر با این جمله که جنگ نه در زمستان ۲۰۲۲ بلکه در بهار ۲۰۱۴ آغاز شده است. و مبتنی بر همین تحلیل، در ۲۰۲۲ دولت اوکراین آن را به اوج رسانده است. کوالویچ<sup>۱۹۹</sup>، از اعضای بورتوبا، در این باره می‌گوید:

دو دولت اوکراین قراردادهای مینسک را امضا کردند، اما به آن عمل نکردند. اخیراً مقامات زلنسکی آشکارا این توافق را به سخره گرفتند و گفتند که آن را اجرا نمی‌کنند (البته، با ترغیب آمریکا و بریتانیا). این نقض کامل همه قوانین بود نمی‌توانید [قراردادها] را امضا کنید و سپس از اجرای [آنها] امتناع کنید.<sup>۲۰۰</sup>

الکسی آلبو<sup>۲۰۱</sup>، از دیگر اعضای بورتوبا، نیز می‌گوید:

دولت اوکراین استراتژی نظامی جدیدی، دکترین رسمی (!) جدیدی، دریافت می‌کند که بر اساس آن، اوکراین باید کریمه را فقط از راه نظامی بازپس بگیرد. این اظهاریه نیست، این سند رسمی دولتی است. همچنین زلنسکی شروع کرد به تسریع در مطرح کردن سؤالات درباره

---

۱۹۸. ضمن اینکه بورتوبا همیشه در دوتسک و لوگانسک سازمان ضعیفی داشت و در این مناطق نفوذ مؤثری نداشت. بورتوبا بیشتر

در اودسا و خارکف فعال بود: <https://www.workers.org/2014/11/16818>

199. Dmitry Kovalevich

200. <https://mg.co.za/world/2022-03-14-understanding-the-war-in-ukraine/>

201. Alexey Albu



عضویت در ناتو. آیا می‌توانید وضعیت را، اگر اوکراین عضو جدید ناتو شروع به بازپس‌گیری کریمه کند، تصور کنید؟

این به معنای جنگ بین ناتو و روسیه خواهد بود. روسیه به ناتو و واشنگتن پیشنهاد داد که توافق کنند ناتو اوکراین را به عضویت خود در نمی‌آورد. واشنگتن آن را نپذیرفت، بلکه به ارسال کمک‌های نظامی برای نئونازی‌های اوکراینی ادامه داد. بنابراین، دیگر هدف اصلی این کارزار اجرای صلح‌الحاق نیست، بلکه نازی‌زدایی و غیر نظامی کردن دولت اوکراین است...<sup>۲۰۲</sup>

کووالویچ بر این مضمون تأکید می‌کند که «جنگ بین روسیه و اوکراین بسیار پیش‌تر از ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، یعنی تاریخی که دولت اوکراین، ناتو و ایالات متحده برای آغاز حمله روسیه به اوکراین تعیین می‌کنند، آغاز شده است». او به فراز و نشیب این جنگ هشت‌ساله می‌پردازد، به توافق‌نامه مینسک ۱ و ۲، به اینکه این توافق‌نامه‌ها در دولت زلنسکی اجرا نشد، به اینکه پیش از عملیات ویژه روسیه ۱۴۰۰۰ نفر در درگیری‌های دونتسک و لوگانسک کشته شدند.<sup>۲۰۳</sup> به این موضوعات می‌باید ماجرای کریمه و تغییر استراتژی دولت اوکراین و تأکید بر بازپس‌گیری نظامی آن منطقه را نیز افزود. از این مهم‌تر نباید تلاش روشن دولت اوکراین در این هشت سال برای پیوستن به ناتو و به‌ویژه طی کردن آخرین گام آن در چند ماه منتهی به عملیات ویژه نظامی روسیه را فراموش کرد. در سند بررسی گسترش ناتو تأکید شده است که *حل و فصل اختلافات قومی یا مناقشات ارضی عاملی مهم در دعوت و پذیرش هر کشور به اتحادیه است*.<sup>۲۰۴</sup> روشن است که یورش‌های پی‌درپی دولت زلنسکی به شرق اوکراین در ماه منتهی به عملیات ویژه نظامی روسیه هدفی مگر برآورده کردن این عامل مهم نداشت. حملات دولت زلنسکی در این مدت به شرق اوکراین چیزی غیر از ادامه سیاست گسترش ناتو، و در بستر بحث ما، چیزی غیر از تلاش امپریالیسم امریکا برای بازیابی هژمونی‌اش نبوده است. نتیجه اینکه اگر جنگ ادامه سیاست است، جنگ زمستان ۲۰۲۲ در اوکراین چیزی نیست مگر **جنگ بازیابی هژمونی امپریالیسم امریکا**.

اینکه جنگ کنونی با عنوان «جنگ ضد بازیابی هژمونی» نام‌گذاری شود بدین معنی است که نقطه آغاز جنگ فوریه ۲۰۲۲ در نظر گرفته شده است (همان گونه که دولت اوکراین، ناتو و امریکا تلقی می‌کنند) و بدین ترتیب «جنگ ادامه سیاست است با ابزار دیگر» درک نشده است.<sup>۲۰۵</sup> جنگ بازیابی هژمونی جنگ میان کمونیسم و نیروهای دیگر نیست و کمونیست‌ها در چنین جنگی اصلاً نقش محوری ندارند، که اگر داشتند دیگر آن جنگ

202. <https://anti-imperialistfront.org/2022/03/04/7892/>

203. <https://mg.co.za/world/2022-03-14-understanding-the-war-in-ukraine/>

204. [https://www.nato.int/cps/en/natohq/official\\_texts\\_24733.htm](https://www.nato.int/cps/en/natohq/official_texts_24733.htm)

۲۰۵. برای مثال، مراجعه شود به مقاله پویان صادقی با عنوان «جنگ اُکراین (ضد‌احاله‌ی ۳)»: «... حمله روسیه یک "جنگ ضدبازیابی هژمونی" پیش‌دستانه است» یا «... حمله روسیه را با نام صحیحش بخوانیم و آن را یک "جنگ ضدبازیابی هژمونی" بدانیم.» (ص ۳)

جنگ بازیابی هژمونی نمی‌توانست خوانده شود. همان‌طور که بیان صحیح خصلت جنگ، همانند جنگ سوریه، می‌بایست زیر نام جنگ بازیابی هژمونی صورت می‌گرفت، تشخیص درست نیروهای خصلت‌نما و تأثیرگذار این جنگ نیز می‌بایست مانع از درغلتیدن به ایدئالیسم و خواندن این جنگ به نام نبرد میان کمونیسم و فاشیسم می‌شد.

## ح) جمع‌بندی

مقاله را با نقل قول لنین («اما، در ارزیابی موقعیت خاص، مارکسیست‌ها باید نه از آنچه ممکن است، بلکه از آنچه واقعی است آغاز کنند») و انگلس («کمونیسم چیست؟ کمونیسم آموزه شرایط رهایی پرولتاریاست») آغاز کردیم و در انتها به آنها بازمی‌گردیم. طیفی از چپ با کنار گذاشتن این واقعیت که جنگ در اوکراین نه در زمستان ۲۰۲۲ بلکه در بهار ۲۰۱۴ آغاز شده است طرف بورژوازی کشورهای ناتو را می‌گیرد.<sup>۲۰۶</sup> طیف دیگری از چپ وجود دارد که پیروزی روسیه در جنگ را به معنی برآمدن سوسیالیسم یا کمونیسم در نظر می‌گیرد یا اینکه آن را مرحله‌ای از سوسیالیسم می‌پندارد و واقعیت نیروهای موجود را وارونه جلوه می‌دهد. «کمونیسم» این طیف ربطی به آموزه شرایط رهایی پرولتاریا ندارد، بلکه «کمونیسم» آن قرار است پرچم سرخ را برافرازد و نشان‌های دوران شوروی را استفاده کند.<sup>۲۰۷</sup>

اما ما در این مقاله نشان دادیم که شعارمان مبنی بر ایجاد جبهه متحد کارگری ضد ناتو پایه در واقعیت دارد. همچنین واقعیت نیروهای سیاسی و نظامی در دنباس را بررسی کردیم. در پیگیری شعار و بررسی‌مان این گفته انگلس را که کمونیسم آموزه شرایط رهایی پرولتاریاست در نظر داشتیم و در هر موقعیتی کوشیدیم که شرایط رهایی پرولتاریا را لحاظ کنیم نه پرچم‌های سرخ یا نشان‌های دوران شوروی را. از این رو بود که نشان دادیم

---

۲۰۶. در بخش دوم این مقاله به چنین طیفی اشاره کردیم.

۲۰۷. رضا کریم‌پور در مقاله «ارائه‌ی تصاویر وارونه از جنگ اوکراین بر چشم کارگران خاک می‌پاشد» (خرداد ۱۴۰۱) نمونه‌هایی از این طیف را (که خود متنوع است) معرفی و نقد می‌کند.

برای مشاهده نمونه‌ای از ایدئالیست‌های این طیف از چپ بنگرید به: پویان صادقی، «جنگ اوکراین (ضد احاله‌ی ۳)». در مقاله مذکور می‌بینیم که نویسنده چگونه، با چشم پوشیدن بر واقعیت، جنگ بازیابی هژمونی را نبرد میان کمونیسم و فاشیسم قلمداد می‌کند: «مخمسّه اصلی در اوکراین این است که دولت یا فاشیستی است و پروامریکا و یا کمونیستی است که اجباراً پوتین باید به آن تن دردهد.» (ص ۶) چپ ایدئالیست در دنباس سوژه برقراری «کمونیسم» و «دولت کمونیستی» را نه طبقه کارگر، بلکه «گردان‌های کمونیست» (ص ۷) در نظر می‌گیرد. زبان چپ ایدئالیست قاصر است از اینکه «گردان‌های کمونیست» را نام ببرد، زیرا در نوشتن حقایق کم‌رو و در خیال‌بافی پرروست. بله، موش کور خوب نقب می‌زند و چپ کور خوب خیال می‌یافتد.

تأثیرگذارترین نیروهای سیاسی دنباس سیاستی را در پیش گرفته‌اند که با شرایط رهایی پرولتاریا ارتباطی ندارد. خلاصه، وظیفه کمونیست‌ها، بر خلاف چپ، پیش‌گویی سیاسی و مشغول شدن به شطرنج تک‌نفره با مهره‌های بورژوازی نیست؛ وظیفه کمونیست‌ها آغاز کردن از وضعیت و نیروهای واقعی و جست‌وجوی امکان‌های واقعی برای اعتلای مبارزه طبقاتی است.

محمدرضا حنانه

شهریور ۱۴۰۱